



**پیام نوروزی حمید تقوایی**

۱۴۰۳ سال پیشروی تا پیروزی است، صفحه ۵

**سران جمهوری اسلامی باید در دادگاه بین‌المللی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند**

اطلاعیه حزب در باره نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل، صفحه ۵

**افزایش دستمزد یا حمله معیشتی**

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید، صفحه ۶

**خطاب به مزدوران سرمایه: کنار بروید!**

یاشارسهندی، صفحه ۹

**سال ۱۴۰۳، سال اتحاد مبارزاتی کارگری**

شهلا دانشفر، صفحه ۳

**تعرضات وسیعتر کارگری علیه حکومت، پاسخ به دستمزد چهار برابر زیر خط فقر**

مهران محبی، صفحه ۱۰

**اعتراضات سراسری بازنشستگان مخابرات، کارگران رسمی نفت و یک خبر دیگر**

صفحه ۱۱

**اعتراضات بازنشستگان مخابرات در چند شهر**

صفحه ۱۸

**اول فروردین: اعتصاب کارگران راه آهن در خراسان**

صفحه ۱۲

**مدیای اجتماعی**

بیانیه زندانیان اعتصابی سه‌شنبه‌های نه به اعدام: صفحه ۱۵

بیانیه‌های تشکلهای مختلف کارگری در اعتراض به مصوبه مزدی بیش‌رمانه شورایعالی کار

صفحات ۱۶-۱۸

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۲۴

۶ فروردین ۱۴۰۳

۲۵ مارس ۲۰۲۴



دوشنبه‌ها منتشر میشود

**سال ۱۴۰۳ سال چالش بزرگ**

بر سر مزد و معیشت

شهلا دانشفر، صفحه ۳

**دزدیهای نجومی، فلاکت**

عمومی

مهران محبی، صفحه ۱۲

**کارگران در هفته ای که**

گذشت صفحه ۱۴

**اخبار هفته: واحد خوزستان**

کمیته سازمانده

صفحه ۱۳

**اخراج هر کارگر تعرض به**

جنبش کارگری است

شهلا دانشفر، صفحه ۸

**تجمع بازنشستگان تامین**

اجتماعی در اهواز

صفحه ۳

## سال ۱۴۰۳، سال اتحاد مبارزاتی کارگری - شهلا دانشفر



رعایت حقوق بشر برای همه شهروندان پدید آید و احکام قرون وسطایی چون اعدام لغو گردد. ما اطمینان داریم دور نیست آن روزی که با تحقق حاکمیت مردم ایران بر سرنوشت خویش هیچ شهروندی به خاطر عقیده و اندیشه‌اش اسیر سرکوب و بی‌داد استبداد نشود. اما تا آن روز، ما از درون زندان‌های حکومت رسالت اخلاقی خود می‌دانیم که در سال پیش‌رو نیز از درون زندان به اعتراض خود علیه اعدام ادامه دهیم، و از همه وجدان‌های بیدار و انسان‌های آزاده می‌خواهیم در این راه ما را یاری دهند. "

از سوی دیگر پیامهای ویژه این روز از سوی تشکلهای کارگری و معلمان و بخش‌های مختلف جامعه را داشتیم. این بیانیه‌ها کیفرخواستی علیه بساط توحش و بردگی حاکم و جنایات و سرکوبگری‌های حکومت هستند و یک تاکید مهم آنها بر روی اتحاد سراسری کارگری برای خلاصی از جهنم جمهوری اسلامی است. بدینگونه کارگران به نوعی پلاتنم مبارزاتی سال ۱۴۰۳ را ترسیم کرده‌اند. از جمله میتوان به پیامهای منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و تشکلهای مختلف معلمان از شهرهای مختلف، شورای بازنشستگان ایران، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، نهاد دادخواهان، ندای زنان ایران اشاره کرد.

- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در پیام نوروزی خود از سال گذشته و آنچه بر مردم گذشته است مینویسد. در بخشی از آن چنین آمده است: " یکسال بر ما گذشت و در این سال چون گذشته: دانش‌آموزان زیر تازیانه آموزش ایدئولوژیک و کالایی‌شده انگیزه و میل‌شان برای یادگیری پرپر شد، ترک تحصیل به سبب فقر فزونی یافت، کودکان کار نیز بازتولید شدند. تفاوت آموزش در مرکز و حاشیه عمیق‌تر شد. معلمان از پادگانی شدن مدارس و ذبح کرامت انسانی در رنج‌اند. و سرآمدان آنان به زندان، یا اخراج یا تبعید یا حبس خانگی محکوم شدند. بازنشستگان، کارگران و تمام اقشار فرودست جامعه علی‌رغم مبارزات پیگیر خود به مطالبات قانونی خویش نرسیدند. شیخ ویرانگر تورم و گرانی، به سبب سیاست‌های اقتصادی نظام حاکم، بر تمامیت زندگی مردم سایه افکنده و هیچ اراده‌ای برای رفع این بحران وجود نداشت. دادخواهان در حوزه‌های مختلف: آموزش، کار، زنان، محیط‌زیست، هنر و... روانه زندان شدند. آزادی اندیشه و بیان، ایجاد تشکلهای صنفی و مردم نهاد مستقل ممنوع بود. دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها به سبب عدم عقلانیت و نابخردی مسئولان اخراج یا زندانی شدند. اعدام، قصاص، شکنجه، قتل ناموسی (به سبب غلبه گفتمان ایدئولوژیک و مرد/پدرسالار) تداوم داشت. جامعه "آل جی بی تی کیو آی پلاس" کماکان از حق حیات محروم‌اند. حامی پروری، پدیده هزار فامیل، اختلاس، بنگاههای فوق سرمایه‌دار منتسب حکومتی/امنیتی همچنان بر کشور حاکمند.

موارد فوق و بسیاری از موارد دیگر، محصول حکمرانی غیردموکراتیک، هژمونی خشونت و سرکوب و نیز عدم پاسخگویی افرادی است که فراتر از هر قانونی بر ما

سال ۱۴۰۳ آغاز شد. در تحویل این سال شاهد رقص بی‌حجاب زنان، و مختلط با مردان در شهرهای مختلف بودیم و بار دیگر مردم به محکمی به بساط آپارتاید جنسی حکومت و حجابش نه گفتند. جنبش دادخواهی این سنگر مهم انقلاب به این مناسبت با فریاد بلند دادخواهی بر ادامه راه جانباختگان انقلاب تجدید عهد بست و بخش‌های مختلف کارگری با اوتیماتوم‌های اعتراضی شان بویژه در واکنش به مصوبه جنایتکارانه شورای عالی کار جلو آمده و بر اتحاد سراسری کارگری علیه کل این بساط توحش و بردگی تاکید گذاشتند.

دادخواهان به این مناسبت پیام مقاومت و ایستادگی و تداوم راه جانباختگان را دادند و از جمله با رفتن به سر مزار عزیزان جانباخته که بدست حکومت جنایتکار به قتل رسیدند و باز کردن سفره هفت سین شان و نیز با پیامهای پرشورشان بر ادامه راه جانباختگان انقلاب تاکید کردند. یک نمونه آن پیام گوهر عشقی این سمبل مبارز دادخواهی بود. او نوشت: "نوروز را با امید آزادی ملت ایران جشن می‌گیریم. حکومت تاریک جمهوری اسلامی می‌خواهد عشق و امیدواری را بکشد و افسردگی و یاس را به جایش بنشانند. اما رسیدن نوروز به ما می‌گوید رو سیاهی به ذغال می‌ماند و خون‌هایی که بر خاک ریخته، گل می‌دهند و بهار در راه است. به عنوان مادر پیر شما، سال نو را به همه آسیب دیدگان، مبارزان زندانی، اقلیت‌ها، فعالان مدنی، جوانان آزاده نسل امروز، هنرمندان مردمی، خانواده‌هایی که گرمای حضور عزیزانشان را جمهوری اسلامی گرفته است و در نهایت به همه مردم ایران تبریک می‌گویم. فرزندانم! سال جدید، بی شک سال تغییرات اساسی است. همه با هم مصمم شویم تاریخه ستم را در سال پیش رو، بخشکانیم تا آرزوی زنان و مردان ایران برای رسیدن به آزادی، عشق و حقوق انسانی محقق شود. پاینده مردم ایران، مادر پیر شما، گوهر عشقی."

در بوکان مادران دادخواه نوروز را به سنت دیرینه در منطقه باغ قاضی برگزار کردند. در آنجا جمع شدند و آتش نوروز را به پا کردند و دایه مینا مادر جانباخته شهریار محمدی همراه با دیگر مادران و با در دست گرفتن تصویر ژینا (مهسا) امینی گفت: "راحت را گم نمیکنم شهریار، شهریار به خون پاکت که در راه آزادی ریخته شد، راحت را ادامه میدهم." این مادران در روز جهانی زن نیز با برداشتن حجاب‌هایشان هشت مارس تاریخی را رقم زدند.

زندانیان سیاسی از زندانهای قزلحصار، اوین، کرج، مشهد و خرم‌آباد یعنی همان زندانیانی که علیه اعدامها سه شنبه‌های اعتراض را اعلام داشتند، پیام داده و بر ادامه اعتراض برای توقف ماشین کشتار و اعدام حکومت تاکید کردند. سه شنبه‌های اعتراض علیه اعدام که حمایت اجتماعی وسیعی را با خود همراه داشت. از جمله نهاد دادخواهان و کارزار جهانی علیه اعدام از آن اعلام پشتیبانی کردند و در همبستگی با این روز در برخی از شهرها در خارج کشور نیز پیکت‌هایی اعتراضی شکل گرفته است. در بیانیه این زندانیان بر توقف ماشین اعدام و اتحاد و عمل جمعی برای توقف اعدامها بدون در نظر گرفتن عقیده، ملیت، قومیت، مذهب و نوع اتهام محکومان تاکید شده است. به این منظور این زندانیان دست یاری به سوی تمام وجدان‌های بیدار و آزاده ایران و جهان دراز کرده است. در بخشی از بیانیه این زندانیان چنین آمده است: "هدف ما از کارزار سه‌شنبه‌های سیاه و این اعتصاب هفتگی جلب توجه افکار عمومی به این مهم بود که "اعدام قتل حکومتی، مجازاتی بدون بازگشت و ابزار سرکوب و ارعاب حکومت اقلیت مستبد حاکم بر کشور است. ... اینک و در آستانه سال نو و فرا رسیدن بهار طبیعت، ضمن تبریک آن به عموم هموطنان، امیدواریم که سال جدید سال پیروزی مردم ایران و تحقق آزادی و عدالت باشد؛ و به زودی در جامعه‌ای عاری از تبعیض، خشونت، استبداد و استثمار، ساختاری متضمن



بستانند. این قانون واقعی یک کشمکش اجتماعی است در مقابل حکومتی که به جز اراده خود قانونی را تحمل نمی‌کند. "سپس اخطار داده و می‌نویسد که اگر این مصوبه باطل نشود شاهد موجی از اعتراضات علیه این دهن‌کجی به زندگی کارگران شاغل و بازنشسته به‌منظور ابطال آن در روزهای پیش رو خواهیم بود."

سندیکای کارگران شرکت واحد مصوبه شورای عالی کار را غیرقابل قبول و تهاجمی بی‌شرمانه به زندگی و جسم و جان و روان کارگران و خانواده‌های کارگری دانسته و می‌نویسد: "تنها راه مقابله با این تهاجم به سطح معیشت و زندگی ما کارگران کشور اتحاد و اعتراض و تشکلات مستقل است."

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه؛ گروه اتحاد بازنشستگان؛ کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان نیز در بیانیه مشترکی مبارزه متشکل هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده علیه نظام استثمار را یگانه راه دانسته و تأکیدشان بر حداقل دستمزد ۴۵ میلیونی است.

(مندرج در ژورنال شماره ۶۸۴)

## سال ۱۴۰۳ سال چالش بزرگ بر سر مزد و معیشت

### شهلا دانشفر

به دنبال اعلام مصوبه بی‌شرمانه شورای عالی کار و تعیین حداقل دستمزد یازده‌میلیونی موجی از اعتراض به راه افتاده و تشکل‌های مختلف کارگری طی بیانیه‌هایی صدای اعتراضشان را به این تصمیم جنایت‌کارانه بلند کرده‌اند. فراخوان همه آنها بر اتحاد سراسری علیه تعرض معیشتی حکومت است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با عنوان "به دستمزدهای تحقیرآمیز خود دست‌پخت شورای عالی کار تن نخواهیم داد" می‌نویسد: "با اتحاد مبارزاتی خود پاسخ محکمی به شورای عالی کار کذایی و وزیر کار شکم سیر دولت بدهیم." سپس مطالبات فوری خود را برشمرده و ادامه می‌دهد: دستمزد باید متناسب با نرخ سبد هزینه معیشت افزایش یابد و مزد هیچ حداقل بگیری از ۴۵ میلیون نباید کمتر باشد، با توجه به نرخ ۴۵ درصدی تورم اعلام شده حکومتیان مزد همه کارگران در تمام رده‌های شغلی باید ۴۵ درصد افزایش یابد و متناسب با تغییر دائمی نرخ تورم و نرخ سید معیشتی در طول سال افزایش پیدا کند. این شورا همچنین با تأکید بر حذف پیمانکاران دستمزد مساوی در برابر کار مساوی را قدمی در این راستا دانسته است و آخرین تأکیدش بر درمان و تحصیل رایگان برای همه و ایجاد تسهیلات لازم برای تأمین مسکن است.

شورای بازنشستگان ایران مصوبه شورای عالی کار را ادامه سیاست سرکوب جامعه در اشکال سیاسی، اقتصادی، امنیتی - قضایی، اجتماعی و فرهنگی دانسته و می‌نویسد: "کارگران شاغل و بازنشسته راهی ندارند به جز اینکه با همبستگی و تشدید اعتراضات خود در محل کار و خیابان همانطور که تاکنون نشان داده‌اند مزد واقعی خود را

از صفحه ۲

## سال ۱۴۰۳ سال اتحاد مبارزاتی ...

### تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز

امروز پنجم فروردین بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز آغازگر تجمع یکشنبه‌های اعتراضی در سال جدید بوده و پیگیر مطالباتشان شدند.

در تجمع این روز بازنشستگان مثل همیشه برهایی با تأکید بر روی مطالباتشان و اتحاد و همبستگی صف کارگران شاغل و بازنشسته و همه بخش‌های بازنشسته تأکید کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "هم مجلس، هم دولت، ظم میکنند به مردم"، و "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت".

بازنشستگان یک ستون محکم اعتراض علیه تعرضات معیشتی حکومتی هستند. خواسته‌های مشترکی اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند میدهد. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات بازنشستگان و خواسته‌هایشان اعلام میکند.

فروردین ۱۴۰۲، ۲۴ مارس ۲۰۲۴ حزب کمونیست کارگری ایران - ۵

به خون یاران ایستاده ایم تا پایان! "نوروز را شادباش گفت و کلام خود به هشتگ‌های # نه\_میبخشیم\_نه\_فراموش\_میکنیم، # دادخواهی\_ادامه\_دارد، # ایستاده\_ایم\_تا\_پایان، خاتمه داد.

با چنین گفتمانهایی و با تأکید بر اتحاد سراسری است که کارگران و کل جامعه سال ۱۴۰۳ را تحویل گرفتند. این در حالی است که بخش‌های مختلف کارگران با اولتیماتوم‌هایشان برای تداوم قدرتمند تر مبارزاتشان سال ۱۴۰۲ را به پایان رساندند.

این چنین است که انقلابی قدرتمند تر در چشم انداز نزدیک جامعه قرار دارد. "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد، اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" شعارهای اعتراضی کارگران برای تدارک اعتراضاتی گسترده در چنین شرایطی است.

سلطه دارند. حریم آگاهانه انتخابات نمایشی مجلس حکومتی در این سال، نشان از عدم مشروعیت این نهاد و نارضایتی عمیق مردم از نحوه این حکمرانی آمرانه بود. در ادامه این نگاهی به سال گذشته در این پیام چنین آمده است: "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، به موجب آموزه‌های خویش مبنی بر حق‌رایی، برابری، شادی، عشق، زیستن خودبنیاد برای همه، جشن نوروزی و آمدن بهار را به مردم ایران تبریک می‌گوید، و ایمان دارد با عاملیت مردم، همدلی و همبستگی آنان تمامی موانع برای زیستی توأم با برهایی و برابری مرتفع خواهند شد. پیروز باشید."

شورای بازنشستگان ایران در بیانیه نوروزی خود مینویسد: "سهام ما از زندگی، رفاه، آزادی و برابری ست و این، پیش شرط و زیر ساخت شکوفائی و شادبهای فردی و اجتماعی در نوروز یا هر جشن دیگری است. با عزم گذر از چنین اوضاع اسفناک و غیرقابل تحمل و با اعلام حمایت و همدردی با خانواده‌های سوگوار و دادخواه، زندانیان معیشتی، سیاسی و اجتماعی، عید امسال را بر شانه‌های زخمی و سرفه خالی خود برگزار کرده که چراغ زرین امید و رهائی را بر ورودیهای فردایی بهتر آویخته ایم. پیشاپیش فرارسیدن عید نوروز و آغاز فصل بهار که نویدبخش زندگی و تحول و نوشدگی ست، علیرغم تلخکامی‌های فراوان، شادباش میگوئیم، باشد که مطالبه‌گری و دادخواهی ما تا دستیابی به رفاه و شادی عمومی در سال آتی پرشورتر از قبل تداوم یابد."

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران در پیام نوروزی اش به همگان مینویسد: "سال نو را با اتحاد همبستگی بیشتر برای تحقق خواسته‌های برحقمان آغاز میکنیم! ما نوید آوران سلامتی هستیم. زندگی بهتر حق ماست!"  
 نهاد دادخواهان با عبارت: "سال نو را به امید پیروزی دادخواهی آغاز میکنیم! قسم



## بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد حداقل دستمزد ۱۴۰۳



شورای عالی کار حکومت با افزایش ۳/۳۵ درصد به دستمزدها برای سال ۱۴۰۳ اعتراف کرد که حکومت اسلامی قادر به تامین ساده‌ترین نیازهای اکثریت مردم کارگر و زحمتکش نیست و می‌خواهد ابعاد فقر غیر قابل تحمل کنونی را باز هم عمیق‌تر و گسترده‌تر کند.

طبق این تصمیم بیش‌رمانه، حداقل دستمزد کارگران به میزان ۷ میلیون و ۱۸۲ هزار و ۱۰۶ تومان خواهد بود که یک چهارم خط فقری است که در آمارهای خود حکومت اعلام شده است. این مبلغ حتی با در نظر گرفتن حق اولاد، برای کارگرانی که صاحب فرزند هستند، بن خواروبار، حق مسکن و حق تاهل دریافتی یک خانواده کارگری کمی بیش از ۱۱ میلیون تومان خواهد بود. اما همین دستمزد چندرغاز شامل بخش وسیعی از کارگران نیز نخواهد شد. این افزایش دستمزد حتی ۱۰ درصد از تورم ۴۵ درصدی که اعلام شده است کمتر است و به این معناست که دریافتی واقعی کارگران و قدرت خرید آنان در سال جدید باز هم از سال قبل کمتر خواهد بود و فقر و محرومیت کمرشکن‌تر خواهد شد.

مفتخوران بی‌خاصیت حاکم را محکم‌تر بگیریم و اجازه ندهیم که فقر و محرومیت بیشتری را به ما و خانواده‌هایمان تحمیل کنند.

حزب کمونیست کارگری همه بخش‌های طبقه کارگر و مزدبگیران را به اتحاد حول حداقل دستمزد ۴۵ میلیون تومان، که از جانب برخی از تشکل‌های کارگری اعلام شده و افزایش دستمزد به نسبت تورم، فرامی‌خواند. اتحاد بخش‌های مختلف طبقه کارگر عامل تعیین‌کننده‌ای در تحکیم صفوف مبارزه علیه این تصمیم فاجعه‌بار حکومت است. حزب کمونیست کارگری همه شما کارگران و بازنشستگان و معلمان و پرستاران، همه شما دانشجویان و جوانان و مردم آزاده و انقلابی را به اتحاد سراسری علیه این تصمیم بیش‌رمانه حکومت و بلند کردن پرچم رفاه و یک زندگی انسانی برای تک‌تک اتحاد جامعه فرامی‌خواند. تصمیم جنایتکارانه حکومت در مورد دستمزد اعتراف به این مساله است که برای اکثریت مردم دستیابی به حداقل معیشت و رفاه جز با سرنگونی این حکومت ممکن نیست. همین‌طور که آزادی‌های سیاسی، برابری زن و مرد و کوتاه کردن دست مذهب از جامعه و سایر خواست‌های حق‌طلبانه نیز در گرو سرنگونی این حکومت است.

پیش به سوی اعتصابات سراسری!

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ فروردین ۱۴۰۴، ۲۰ مارس ۲۰۲۴

معنی این تصمیم مفتخوران حاکم، تشدید فقر و گرسنگی اکثریت عظیم جامعه اعم از کارگران و معلمان، بازنشستگان، کادر درمان، کارمندان زحمتکش، میلیون‌ها جوان بیکار و عواقب فاجعه‌بار اجتماعی مانند رشد تن‌فروشی و اعتیاد و کارتن‌خوابی و ترک تحصیل کودکان و هزار مصیبت دیگر است.

اقلیت بی‌خاصیت حاکم کلیه امکانات جامعه را در چنگال خود گرفته و آنرا صرف نیروهای سرکوب، صرف جریان‌های تروریست اسلامی در کشورهای دیگر، صرف دم و دستگاه مذهب و ریخت و پاش و حقوق‌های نجومی و دزدی‌های کلان مقامات و آیت‌الله‌ها میکند. همه این بودجه‌ها باید قطع و صرف تامین نیازهای مردم شود.

همه افراد جامعه مستقل از وضعیت اشتغال و غیره باید از یک حقوق پایه برخوردار شوند. برخورداری از رفاه و معیشت و زندگی انسانی حق بی‌قید و شرط تک‌تک شهروندان جامعه است.

کارگران، معلمان و بازنشستگان، کارمندان زحمتکش

انقلاب زن زندگی آزادی فوران و بازتاب عزم و اتحاد همه ما برای خلاصی از کل حکومت اسلامی و سیستم چپاول و جنایت حاکم بود و فضای کنونی مبارزات کارگران نفت و کادر درمان و بازنشستگان و معلمان و زنان و دانشجویان و بخشهای مختلف جامعه نشان می‌دهد که جنبشی قدرتمند برای دفاع از زندگی انسانی در جامعه جریان دارد و باید همین جنبش را گسترش داد و تقویت کرد. ما با انقلابمان گامها علیه حکومت جلو آمده‌ایم و قطعاً میتوانیم با گسترش اعتراضات گلوی

به حزب کمونیست کارگری  
بیونیدید!

تلگرام: @wpi\_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com





اما روند تحولات هر چه باشد همه، حتی حکومتی ها، میدانند شرایط دیگر به قبل از ۱۴۰۱ باز نخواهد گشت. انقلاب زن زندگی آزادی زمین را عمیقا شخم زده و شرایط سیاسی ایران را به نفع توده مردم و مبارزات و اعتراضات آنان، و به ضرر جمهوری اسلامی کاملا تغییر داده است. حتی نمایشات حکومتی نظیر "دهه فجر" و "انتخابات" به فرصتهائی برای نمایش

خشم و تفرج جامعه از حکومت تبدیل شده است. مردم هیچ زمان چنین متحد و معترض، و جنایتکاران حاکم این چنین منقور و منزوی و درمانده نبوده اند. همه چیز حاکی از آنست که حکومت در سرانیش سقوط قرار گرفته است و شمارش معکوس برای سرنگونی حکومت جلادان آغاز شده است. سال پیش رو میتواند سال خلاصی از شر جمهوری اسلامی باشد! در آستانه سال نو یاد عزیزان جانباخته در انقلاب زن زندگی آزادی، و همه آزادگان جانباخته در مبارزه علیه جمهوری اسلامی در همه سالهای حاکمیت این دژخیمان، را گرامی میداریم و عهد میندیم که با عزم و اراده ای محکم تر و استوارتر از همیشه تا سرنگونی حکومت و کل نظام کشتار و فساد جمهوری اسلامی از پای نشینیم. پیروزی از آن ماست.

نوروزتان پیروز! ۲۸ اسفند ۱۴۰۲، ۱۸ مارس ۲۰۲۴

## پیام نوروزی حمید تقوایی

۱۴۰۳ سال پیشروی تا پیروزی است

فرا رسیدن سال نو را به همه مردم آزاده ایران شادباش میگویم.

سال ۱۴۰۲ سال پیشروی در عرصه های مختلف مبارزه، و متشکل و متعین شدن بیشتر صفوف انقلاب زن زندگی آزادی بود. انقلابی که با قتل مهسا ژینا امینی به "جرم" بدحجابی آغاز شد اکنون به بی حجابی عمومی ارتقا یافته است. فتح "خاکریز حجاب" در کنار پیشرویهای نظیر اتحاد و همبستگی بیسابقه در مبارزه علیه اعدام در داخل و در خارج ایران، گسترش اعتراضات کارگری علیه فقر و فساد بویژه در بخشهای مختلف صنعت نفت، همبستگی مبارزاتی شورانگیز کارگران شاغل و بازنشسته، تجمعات اعتراضی مداوم و پیگیر بازنشستگان، اتحاد گسترده تشکلهای دانشجویی با انتشار بیانیه ها و فراخوانهای کوبنده و رادیکال، سازمانیابی و تعرض بیشتر جنبش دادخواهی، تعرض جامعه در سالروز قتل مهسا و دیگر جانبختگان انقلاب، و بالاخره تبدیل مناسباتی چون ۸ مارس و چهارشنبه سوری به روزهای اعتراض علیه دژخیمان حاکم، همه بیانگر تعمیق و تقویت صفوف انقلاب است.

سال پیش رو میتواند و باید سال پیشروها و دستاوردهای بیشتری باشد. سال رادیکال و فراگیر شدن اعتراضات، سازمانیابی هر چه وسیعتر در عرصه های مختلف مبارزه و همبستگی هر چه محکم تر و گسترده تر صفوف انقلاب.

## اطلاعیه حزب در باره نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل:

### سران جمهوری اسلامی باید در دادگاه بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند

حقیقت یاب سازمان ملل، خواهان لغو فوری مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، لغو حجاب اجباری، پایان یافتن تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و به رسمیت شناختن حق آزادی بیان و اعتراض در ایران شدند.

نشست امروز شورای حقوق بشر سازمان ملل و اعلام جرم بالاترین نهاد حقوق بشر جهانی علیه حکومت اسلامی به عنوان حکومت "آپارتاید جنسیتی" و حکومتی که مرتکب "جنایت علیه بشریت" شده است، شکستی سیاسی برای جمهوری اسلامی و موفقیتی برای مردم ایران است. این نشست برای ما مردم بپاخاسته ایران زمینه مساعدتری را فراهم کرده است که جمهوری اسلامی را در سطح جهان از نظر سیاسی، حقوقی و دیپلماتیک تحت فشار بیشتری قرار دهیم و در ایران تعرضمان برای سرنگونی این حکومت را هر چه قاطع تر و گسترده تر ادامه دهیم.

این عظمت انقلاب "زن، زندگی، آزادی" بود که افکار عمومی جهان را آنچنان تکان داد که مهمترین نهاد سازمان ملل در عرصه حقوق بشر مجبور شد رسماً و علناً مقامات حکومت اسلامی را بعنوان حکومت "آپارتاید جنسیتی" و "جنایت علیه بشریت" موضوع تعقیب و محاکمه در یک دادگاه بین المللی اعلام کند. متقابلاً، این اتفاق جهانی، زمینه را برای ما مردم بپاخاسته ایران هموار کرده است که در ایران تعرض به حکومت اسلامی را حتی گسترده تر از پیش ادامه دهیم و در سطح جهانی، اقدامات سازمان یافته سیاسی، حقوقی و دیپلماتیک برای پیگرد، دستگیری و محاکمه جنایتکاران حکومت اسلامی در دادگاه بین المللی و بایکوت جهانی حکومت اسلامی را گسترش دهیم. حزب کمونیست کارگری با تمام توان برای تحقق این اهداف تلاش میکند و همه مردم آزاده در داخل و خارج کشور، کلیه فعالین سیاسی و اجتماعی سرنگونی طلب، کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان و دانشجویان، زنان معترض و انقلابی، خانواده های دادخواه و همه فعالین جنبش های حق طلبانه را به تداوم مبارزه برای تحقق این اهداف فرامیخواند. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی

نابود باد جمهوری اسلامی، نظام آپارتاید جنسیتی، نظام جنایت علیه بشریت

۲۸ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۸ مارس ۲۰۲۴

در جریان انقلاب زن زندگی آزادی در پاییز سال ۱۴۰۱، شورای حقوق بشر سازمان ملل در یک نشست اضطراری ویژه ایران، تشکیل یک کمیته مستقل حقیقت یاب در باره موارد نقض حقوق بشر را تصویب کرد. این کمیته در گزارش ۱۸ اسفند به شورای حقوق بشر سازمان ملل ضمن اشاره به موارد متعددی از رفتار حکومت اسلامی با معترضین از جمله حبس، شکنجه، تجاوزجنسی از جمله تجاوز با اشیا، شوک الکتریکی به اندام تناسلی، برهنه سازی اجباری، ناپدیدسازیهای قهری و سایر اعمال غیرانسانی، قتل و اعدام معترضین، اعلام کرد که این اعمال بخشی از یک حمله گسترده و سازمان یافته علیه مردم غیر نظامی بویژه زنان و دختران بوده است و آنها را "مصادق جنایات علیه بشریت" نامید.

امروز ۱۸ مارس (۲۸ اسفند) در پنجاه و پنجمین جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل، سارا حسین رئیس کمیته حقیقت یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل، بر همه این موارد تاکید مجدد گذاشت و مقامات جمهوری اسلامی را به "نقض جدی حقوق بشر تا سطح جنایت علیه بشریت" متهم کرد؛ خواستار آزادی همه بازداشت شدگان در جریان انقلاب زن زندگی آزادی و توقف اعدامها شد و اعلام کرد عاملان جنایت باید در قبال اعمالشان پاسخگو شوند.

گزارش کمیته حقیقت یاب در این نشست فقط به مستندسازی جنایت علیه بشریت اکتفا نکرد، بلکه تاکید کرد که "کشورهای عضو شورا باید راهکارهایی برای پاسخگو کردن مقامات حکومت اسلامی در سطح بین المللی پیدا کنند" و مهمتر اینکه از دولتها خواست با اتکاء به "اصل صلاحیت قضایی جهانی" برای پیگرد قضایی سران حکومت به جرم جنایت علیه بشریت اقدام کنند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران هم در این نشست ضمن تاکید مجدد بر اینکه اعمال حکومت اسلامی در قبال معترضین مصادق "جنایت علیه بشریت" است، نقض مستمر کرامت انسانی دختران و زنان توسط جمهوری اسلامی را مصادق "آپارتاید جنسیتی" اعلام کرد.

در این نشست نمایندگان اکثر دولت های جهان همسو با گزارش کمیته

## افزایش دستمزد یا حمله معیشتی

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید



نفت، پرستاران، معلمان است. و می بینیم که همه بخش های کارگران و مردم در سطح جامعه در رابطه با همین موضوعات با اولتیماتوم هایشان سال ۱۴۰۲ را به پایان رساندند. بنابراین روشن است که سال ۱۴۰۳ سال جدالی سخت بر سر معیشت است.

**حسن صالحی:** در اخبار آمده بود که در نشست تصمیم گیری شورایی کار نمایندگان شوراهای اسلامی کار به نشانه اعتراض جلسه را ترک کرده و مصوبه مزدی این نهاد را امضا نکردند. شما هم اشاره کردید که حتی خودشان کارزارهایی به راه انداخته بودند و گفته بودند که دستمزدها باید تا میزان پانزده میلیون افزایش پیدا کند. حتی رقم یازده میلیونی که الان اعلام شده، چهارمیلیون از رقمی که کارزارهای بخش های از حکومت که با هدف بدست آوردن دل کارگران به راه افتاده بود، کمتر است. در عین حال خودشان در مباحثی که داشتند از نرخ سبد بیست و سه میلیونی صحبت کردند و حتی صحبت بر سر سبد معیشتی ۳۰ میلیون و سی و پنج میلیونی هم بود. همانطور که اشاره کردیم اینها نشان میدهد که در میان خودشان هم آشفته بازاری هست. در این مورد صحبت شما چیست؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره شد مساله تعیین دستمزد برای حکومت یک بحران بود. بخاطر اینکه یک موضوع مهم انقلاب مردم خود مساله معیشت است. و جمهوری اسلامی از این مساله وحشت دارد. این ترس و هراس را در مباحثشان می بینید. بنابراین این آشفته بازاری که بوجود آمده و بالاگرفتن نزاعهایشان تا به این اندازه بر سر موضوع تعیین حداقل دستمزد بازتاب چنین شرايطی است. همانطور که اشاره کردید نمایندگان تشکلهای دست ساز حکومتی که بخشی از همان شورایی کار هستند، مصوبه مزدی امسال را امضا نکردند و از جلسه بیرون آمدند. البته اینها قبلا هم این کار را کرده بودند. اما دلیلش چیست؟ بخاطر اینکه هوا آنقدر پس است که ناگزیر بودند این ژست را بگیرند تا شاید بتوانند بعدا اعتراض کارگر را مهار و کنترل کنند و با پز کارگر پناهی برای حکومت وقت میخرند. همین کارزارهایی که از سوی دارو دسته های خود حکومتی به راه افتاد نیز هدفش همین بود. هدفش ایجاد شکاف در صف جنبش برای خواست افزایش دستمزدها بود. هدفش کشاندن این اعتراضات به طرف این جناح و آن جناح حکومتی و تضعیف جنبش اعتراضی کارگری برای خواست افزایش دستمزدها بود. ولی دیدیم که چگونه کارگران همه این تقلاها را کنار زدند و کارگر حرف خودش را زد. چهار تشکل و گروه کارگری بیانیه دادند و گفتند حداقل دستمزدها نباید از ۴۵ میلیون کمتر باشد. در کنار آن بیانیه شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و دیگر تشکلهای کارگری را داریم. بنابراین جامعه بالغ تر و پخته تر از اینهاست. همه این فریبکاری ها را تجربه کرده است. بعلاوه اینکه در بحث های خود حکومتیان معلوم بود که یک تعرض معیشتی به کارگران را در برنامه دارند ولی سعی میکنند آنرا خوب بپزند تا بتوانند فضا را کمی آرام تر کنند. از همین رو انواع و اقسام رقم سبد معیشتی را ارائه دادند. صولت مرتضوی وزیر کار با

**حسن صالحی:** در برنامه این هفته در مورد تعیین میزان حداقل دستمزد صحبت میکنیم. عیدی دولت به کارگران یک افزایش دستمزد بیشرمانه و یک حمله معیشتی به کارگران و کل جامعه است. شهلا دانشفر شورایی کار میزان حداقل دستمزد سال ۱۴۰۳ را اعلام کرد و گفتند ۳۵ درصد افزایش پیدا کرده است و با همه تعلقاتش به یازده میلیون رسیده است. اولین واکنش شما نسبت به این میزان افزایش دستمزد چیست؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره شد این افزایش دستمزد نیست. این تعرضی معیشتی به کارگران و همه مردم است. این یک بیشرمی آشکار و یک اعلام جنگ است. البته غیر منتظره نبود. روشن بود که حکومت یک چنین تدارکاتی دیده است و از گفتمانهایشان کاملا مشخص بود که چه تدبیری دیده اند.

موضوع تعیین حداقل دستمزد امسال برای حکومت یک بحران جدی بود. به این دلیل که شرایط نسبت به سالهای گذشته بسیار متفاوت و ویژه است. اساسا بعد از انقلاب زن زندگی آزادی بحث بر سر میزان حداقل مزد، بحث گرانی برای حکومت است. ن جامعه ای است که در انقلاب زن زندگی آزادی با شعار "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" صدای اعتراضش را به کل بساط فقر و بی تامینی حاکم و دزدیها و اختلاسها بلند کرده و اعلام نموده که به عقب بر نمی گردد. این جامعه است که هر روز دارد با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" بر تداوم انقلاب تاکید میکند. این جامعه ای است که بازنشسته در تجمعات اعتراضی هفتگی اش شعار داد و گفت "شورای عالی کار، دشمن نیروی کار"، و این جامعه ای است که هر روزه علیه چپاولگری ها و دزدی های این حکومت دارد فریاد میزند و ما شاهد اعتراضات وسیع بخش های مختلف بازنشستگان، پرستاران هستیم. بنابراین روشن است که مصوبه مزدی شورایی کار چقدر گران برای حکومت تمام خواهد شد. البته خود حکومت هم این را میدانست و در بحث هایشان نسبت به آن هشدار میدادند. برای همین است که وزیر کار از وحشت و استیصالش لایحه ای میدهد مبنی بر اینکه رویه تعیین حداقل دستمزد باید تغییر کند و مجلس بهترین مرجع برای انجام دستمزد است. به عبارت روشتر حکومت بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد گیر کرده است. اقتصاددانان در چنگ باندهای مافیایی مختلف حکومتی به بن بست کامل رسیده است. دعوایشان بالا گرفته است. در چنین شرایطی امسال هم مثل همیشه شورایی کار سیرک مسخره تعیین حداقل دستمزد را به راه انداخت. در عین حال آنچنان در هم ریختگی ای در صفوفشان بود که خود حکومتی ها کارزار دستمزد به راه انداختند. یکی کارزار پانزده میلیون حداقل دستمزد را اعلام کرد و دیگری هفده میلیون بخاطر اینکه با این گرد و خاک به پا کردن در صف کارگران شکاف ایجاد کنند. اما کارگران ایستاده و گفتند شورای عالی کار را قبول ندارند و حرف مشخص خود را زدند. الان هم در همین فاصله کوتاه که میزان شرم آور حداقل دستمزد اعلام شده، از سوی کارگران واکنشهای اعتراضی بسیاری صورت گرفته است. از جمله بازتاب آن را در مدیای اجتماعی و در بیانیه های تشکلهای مختلف کارگری میتوان مشاهده کرد. برای مثال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه ای به همه این فریبکاری ها پاسخ محکمی داده و میگوید ایستاده ایم و کوتاه نمی آییم. میخواهم بگویم که واکنش کارگران و مردم به این تعرض معیشتی روشن است. خصوصا اینکه یک موضوع اعتراضی مهم و سراسری در جامعه اعتراض علیه فقر و گرانی و بی تامینی اعتراض با خواست افزایش دستمزدهاست. این مساله موضوع اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان، بخش های مختلف کارگران در



## افزایش دستمزد یا ...

از صفحه ۶



شعارهایی چون "انگل زاده اروپاست، تورمش مال ماست و با فریاد اتحاد علیه فقر و فساد" فرخوانش به اتحاد سراسری علیه کل این بساط توحش و بربریت است. این جامعه ایست که علیه کل ارکان پایه ای حکومت بلند شده است. ما هشت مارس روز جهانی زن را با فریاد آپارتاید جنسی باید کنار زده شود داشتیم. ما چهارشنبه سوری را با رقص مختلط زن و مرد در شهرها و آتش زدن طناب به نشانه اعتراض علیه اعدام ها را داشتیم. جامعه ای که در آن همنازی زیبای اعتراضی بخش های مختلف مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی را شاهدیم. بنابراین تعرضات معیشتی حکومت قطعاً با اعتراض گسترده کارگری پاسخ درخوری خواهد گرفت.

**حسن صالحی:** از جواب درخور کارگران صحبت کردید. سالهای قبل هم حکومت همین تصمیمات ضد کارگری را گرفت. کارگران مبارزه کردند. ولی نتوانستند و موفق نشدند که این تصمیمات را بشکنند. و کاری کنند که حکومت دستمزد بیشتری به کارگران اختصاص دهد. الان بطور مشخص شورایی کار این تصمیم را گرفته است. بخاطر دارم که سال گذشته هم وقتی حکومت تصمیم خود بر سر میزان حداقل دستمزدها را اعلام کرد، گفتند که ممکن است یک قانون تکمیلی مصوب شود که کمی میزان حداقل دستمزدها را ترمیم کند. ولی چنین اتفاقی نیفتاد و عده سر خرمن بود. امسال چه باید کرد؟ میدانم که اعتراضات در جریان است ولی خیلی کنکرت تر چطور میشود علیه این تصمیم ایستاد؟

**شهلا دانشفر:** سوال مهمی است و این موضوع مورد بحث همه محافل کارگری در ایران است. حتی از سوال هم گذشته و ما شاهد این هستیم که بخش های مختلف کارگری اعتراض خود را اعلام داشته و با تاکید بر اتحاد سراسری کارگری در تدارک اعتراضات گسترده شان هستند. قبل از اینکه مصوبه مزدی شورایی کار اعلام شود، برای کارگران پر واضح بود که چنین تعرضی در کار خواهد بود. به همین دلیل بیانیه دادند و گفتند سطح دستمزدها از ۴۵ میلیون نباید کمتر باشد. همانطور که اشاره کردید سال گذشته آقدر فشار اعتراضات سنگین بود که گفتند میزان حداقل دستمزدها ترمیم خواهد شد و این بازی را شوراهای اسلامی کار به راه انداختند. همین جریانات "عدالتخواهان" درون حکومتی به راه انداختند. اما گوش کارگران از این حرفها پر است. معلوم است که اینگونه تلاشها جایی در میان کارگران ندارد. طبعاً فکر نکنیم که با یک اعتراض و کارزار میشود دستمزد را به بیست میلیون، بیست و پنج میلیون و چهل و پنج میلیون رساند. بلکه این کارزار یعنی نه به جمهوری اسلامی. جامعه ایران یک جامعه متعارف مثل کشورهای اروپایی و دیگر کشورها نیست که مثلاً کارگران با چانه زنی ای و دو اعتصاب و یک حرکت اعتراضی ای پای یک قرارداد جمعی ای با دولت و کارفرمایان بنشینند. بلکه بحث بر سر جنگی بر سر زندگی و معیشت با این حکومت است. راه دیگری برای کارگر وجود ندارد. راه دیگری برای کارگر بازنشسته و معلم وجود ندارد. خود بازنشسته با شعارش و فریاد "حقوق نصفه نیمه سکوت کنی همین" اشاره اش به همین موضوع است. این گفتن مردم است. بنابراین شک نداشته باشید که کارگران و مردم در دفاع از معیشت خود

استدلال اینکه کارگر چندرغازی یارانه و فجرانه و مزخرفاتی از این دست دریافت میکند، آمد و گفت که دستمزدها هفتاد و دو تا هفتاد و پنج درصد سبب هزینه افزایش یابد. و این خود یک قدم برای آماده سازی کارگران برای تعرض بود. آنهم سبب معیشتی ای که بسیاری از کالاهای معیشتی از آن حذف شده است. برای مثال با مجوز وزارت کذایی بهداشت شان و اعلام کاهش میزان کالری مورد نیاز بدن، نرخ سبب معیشتی را کاهش دادند. از طرف دیگر هزینه درمان را کم کردند و گفتند کارگر بیمه درمانی دارد. و اشاره شان به همان بیمه درمان بسیار نازل است که با بت آنهم ماهانه دو درصد از حقوق کارگر کسر میشود. بعد چندرغاز حق عائله مندی را جلو آوردند که زیاد سر و صدا راه نیفتند. بدین ترتیب با این شامورته بازیها و بازی با ارقام زمینه سازی کردند و آخر سر نیز همه این آسمان و ریسمانی که چیده بودند را کنار گذاشتند و بیشرمانه حداقل دستمزد یازده میلیون در ماه را رقم زدند. این بازی هر سال این حکومت است. این حقه بازیها برای کارگران رو شده است. اما در این بحثها و این کشاکشها بیش از پیش استیصال و در ماندگی حکومت را شاهدیم. بگذریم که در این گمانه زنی ها بر سر میزان حداقل دستمزد بحث منطقه ای کردن تعیین دستمزد را داشتند که زیر فشار اعتراضی جامعه ترسیدند و عقب کشیدند.

**حسن صالحی:** اشاره بکنم که میزان حداقل دستمزدی که الان شورایی کار تعیین کرده است، کارفرمایان پیشنهاد ده میلیون را داده بودند و خود دولت هم که جزو کارفرمایان است. یعنی فقط یک میلیون بالاتر از میزان پیشنهادی کارفرمایان دستمزدها تعیین شده است. ولی اجازه بدهید قبل از اینکه در مورد اینکه الان کارگران چه باید بکنند صحبت کنیم، سوال دیگری را طرح کنیم. آنهم اینست که همزمان با اعلام میزان حداقل دستمزد، وزیر کار اعلام کرد که سایر سطوح مزدی ۲۲ درصد بعلاوه عدد ثابت ۶۹۷ هزار و هشتصد تومان افزایش مزدی خواهند داشت. بر سر این موضوع سال گذشته هم جنجال زیادی راه افتاد. ولی همین ۲۲ درصد افزایش برای سایر سطوح نیز با آمارهایی که خودشان از نرخ تورم داده اند تطابق ندارد. در این مورد نظراتان چیست؟

**شهلا دانشفر:** این موضوع ابعاد این تعرض معیشتی ای که در میزان حداقل دستمزدی که برای سال ۱۴۰۳ تعیین شده، نشان میدهد. شورای بازنشستگان ایران در رابطه با این موضوع در بیانیه خود مینویسد: "با توجه به اکثریت شاغلین در طبقه بندی "سایر سطوح مزدی"، افزایش واقعی دستمزد ۱۴۰۳ همان ۲۲ درصد است و ۳۵ درصد تنها حدود یک پنجم کارگران شاغل را در برمیگیرد." بنابراین ابعاد این تعرض را میتوان تصور کرد که چقدر گسترده است. از جمله بخشی از کارگران نفت یعنی کارگران ارکان ثالث جزو همین سایر سطوح مزد بگیران هستند. همانطور که اشاره کردید سال گذشته هم بر سر این موضوع اعتراضات بسیاری شد. از جمله اعتراضات بازنشستگان که این موضوع سایر سطوح مزدی آنها را هم در بر میگیرد.

به عبارت روشنتر اعدادی که از سوی حکومت برای مزد و سبب معیشت و غیره و غیره ردیف میشوند فقط رقم نیستند، بلکه تعرض علیه زندگی و هستی یک جامعه است. این حکومت از هر طریقی تلاش میکند مردم را چپاول کند. آخرین لقمه سفره نان کارگر را به یغما ببرد. سال گذشته هم در رابطه با سایر سطوح مزدی همین تلاش را کردند. اما با اعتراضات گسترده ای از سوی کارگران روبرو شدند. طبعاً امسال ابعاد اعتراض بر سر این موضوع گسترده تر خواهد بود. بدین ترتیب همه این تقلها از سوی حکومت بازی با آتش است. جمهوری اسلامی حکومتی است که اقتصادش داغان است. بخاطر اینکه از نظر سیاسی داغان است. بخاطر اینکه زیر فشار جامعه ای قرار دارد که هر روزه دارد فریاد میزند ایستاده ایم تا پایان. جامعه ای که با



## اخراج هر کارگر تعرض به جنبش کارگری است

### شهلا دانشفر

این گفته کارگران گروه ملی فولاد اهواز است. طبق گزارش‌ها در پی اعتراضات قدرتمند اخیر این کارگران، طی روزهای پایانی اسفند ۱۴۰۲ مدیریت این شرکت شماری از کارگران را به بهانه پایان قرارداد، از کار اخراج کرد و شمار دیگری از آنان با انتقال به ورزشگاه غدیر در نوبت اخراج قرار دارند. طبق گزارش صدای مستقل کارگران گروه ملی این تصمیم با پرونده‌سازی عوامل امنیتی و حراست و با همدستی علی محمدی مدیریت فاسد شرکت صورت گرفته است.

در واکنش به این سرکوبگری‌ها کارگران با بیان اینکه این علی محمدی و مدیران فاسد که برای تاراج معیشت آنان به کمین نشسته‌اند، باید از شرکت بیرون روند، قاطعانه اعلام کرده‌اند که اجازه نخواهند داد اخراج کارگر بدون هیچ هزینه‌ای به رویه‌ای عادی تبدیل شود. آخر سر هم اولتیماتوم داده‌اند که با پایان تعطیلات همه خانواده بزرگ کارگران گروه ملی متحدانه به پاک‌سازی این شرکت و جاروکردن بساط شرارت‌ها خواهند پرداخت. بدین ترتیب گروه ملی فولاد این کانون داغ اعتراض کارگری به شدت ملتهد است.

در اسفند ۱۴۰۲ بود که کارگران گروه ملی با اعتراضات قدرتمندشان خیابان‌های اهواز را به لرزه درآورده و موفق به بازگرداندن همکاران تعلیقی خود به کار و گرفتن قول بازبینی مجدد طرح طبقه‌بندی مشاغل و اجرای آن شدند. بعد هم با اعلام موقت خاتمه اعتصاب تصریح کردند که بازگشتشان به کار به معنای پذیرش شرایط موجود

نیست، بلکه فرصت مغتنمی است برای تجدید قوا و آماده‌شدن برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته‌شان. از جمله اینکه آنها اخراج هیچ کارگری را برنمی‌تابند و هنوز تعدادی از همکارانشان در شرکت شفق در خطر اخراج‌اند.

بدین ترتیب مدیریت گروه ملی که در این اعتراضات شکست سختی متحمل شده و ناگزیر به عقب‌نشینی‌هایی شده بود، فرصت تعطیلات نوروز را غنیمت شمرده و با اندیشه اینکه با ایجاد فضای امنیتی شاید بتواند از دور بعدی اعتراضات در این مجتمع سه هزار نفره جلوگیری کند، دست به اخراج‌ها زد.

در پاسخ به این اخراج‌ها کارگران گروه ملی با اعلام اینکه مثل همیشه متحد و همدل پای کارگر اخراجی ایستاده‌اند، قاطعانه اولتیماتوم داده‌اند که این بار نیز با تمام توان به میدان خواهند آمد و در دفاع از همکارانشان مقابل این تعرضات خواهند ایستاد. گروه ملی فولاد اهواز الگوی درخشانی از مبارزه متحد و سازمان‌یافته در مقابله با سرکوبگری‌ها است. از مبارزات آنان باید وسیعاً حمایت کرد و از درس‌هایش آموخت.

(مندرج در ژورنال ۶۸۶)

آنها هم خود را در کنار کارگران در مبارزه برای تامین معاش ببینند؟

**شهلا دانشفر:** به نظر من یک بند بیانیه‌های کارگری باید به همین بخش از کارگران و افراد بی‌تامین جامعه اختصاص پیدا کند. به این معنا که پرداخت حقوق پایه به همه کسانی که در آمدی ندارند یا کم در آمد هستند باید یک مطالبه سراسری کارگری باشد. و این حقوق باید بر اساس همان میزان حداقل مزدی که کارگر امروز طلب میکند یعنی ۴۵ میلیون پرداخت شود. این مبلغ ۴۵ میلیون یعنی اخطار کارگر و جامعه به حکومت است که دارد میگوید ما خط فقر را قبول نمیکنیم. جدا از این مطالبه بندهایی که در همین بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی آمده است، قابل توجه هستند. از جمله تاکید یک بند آن همچون دیگر تشکلهای کارگری اینست که مزد هیچ حداقل بگیری نباید از ۴۵ میلیون کمتر باشد و در بند دیگری میگوید که با توجه به اینکه خودشان نرخ تورم را ۴۵ درصد اعلام کرده‌اند، حتی اگر همین را مبنا بگیریم، باید جدا از حداقل بگیران مزد همه کارگران در تمام رده‌های شغلی ۴۵ درصد افزایش پیدا کند. و همانجا تاکید میکند که با توجه به اینکه نرخ تورم مرتباً بالا میرود، دستمزد هم باید در طول سال افزایش داشته باشد. در عین حال با تاکید بر اینکه آنها خواستار حذف پیمانکاران هستند به عنوان یک قدم مهم در این راستا بر خواست مزد برابر در برابر کار برابر تاکید دارند. مطالبه بعدی این کارگران تاکید بر درمان و تحصیل رایگان برای همه و ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن به عنوان حقوق پایه‌ای کل جامعه است. و بالاخره این شورا تاکید میکند که در برابر هر گونه امنیتی کردن مبارزات می‌ایستند و تشکل، تجمع، و اعتراض را حقوق خود میدانند. و من میخواهم باز هم در پاسخ به سوال شما تاکید کنم که حقوق پایه به همه کسانی که در آمدی ندارند یعنی جمعیت عظیم میلیونی کارگران بیکار، سوختبران، کولبران، دستفروشان و بخش‌های وسیعی از جامعه که کم درآمد هستند، باید بندی از مطالبات کارگری بر سر دستمزد باشد.

**حسن صالحی:** شهلا دانشفر بسیار ممنونم که در این برنامه شرکت کردید.

## افزایش دستمزد یا ...

از صفحه ۷

می‌ایستند و کوتاه نخواهند آمد و باید بایستند. باید این مصوبه را عقب زد. همین که دولت از ترمیم دستمزدها صحبت میکند، و یا موضوع ابطال و لغو این مصوبه مطرح میشود، نشانگر سنگینی فشار جنبش کارگری است. ولی گام اصلی و مهم مبارزه سراسری کارگر و کل جامعه در دفاع از معیشتش و علیه بساط چپاول و غارت حاکم است. چون مساله معیشت مساله همه مردم و نود و نه درصدی‌های جامعه است. دستمزد موضوع مشخص مبارزه علیه فقر و برای داشتن یک زندگی انسانی است. میزان حداقل دستمزد سقفی برای درآمدهای اجتماعی در سطح جامعه است. مبنایی برای تعیین میزان دریافتی همه حقوق بگیران و بازنشستگان و بخش‌های مختلف جامعه است. از جمله می‌بینیم که شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت در بیانیه خود مینویسد: "حداقل دستمزد کف چانه زنی برای میزان دستمزد در سطح جامعه و همه حقوق بگیران است." بعد هم در چندین بند خواستهایشان را مطرح کرده‌اند. با این مصوبه شرم آور و تحقیر آمیز مزدی حکومت اعتراضات بازنشستگان اشکال تعرضی تری بخود خواهد گرفت. و تاکید من بر به راه انداختن موجی از اعتراض و اتحاد و همبستگی بر سر میزان حداقل دستمزد و علیه مصوبه مزدی حکومت با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" علیه این تعرض معیشتی حکومت است. عقب زدن حکومت از این مصوبه یک گام مهم برای پیشروی بیشتر در مبارزه است.

**حسن صالحی:** حداقل دستمزد یک بخش‌هایی از جامعه را در بر نمی‌گیرد. بخش‌هایی از جامعه که بیکارند، یا آماده بکارند و بی‌تامین هستند. بخش‌هایی از مردم که از هیچ گونه بیمه و پشت و پناهی برخوردار نیستند و دولت در قبال آنها نه تنها مسئولیتی بر عهد نمی‌گیرد بلکه کارش چپاول بیشتر مردم است. در رابطه با این بخش از جامعه چه پاسخ و مطالبه‌ای را باید داشت برای اینکه زندگی آنها هم تامین شود و



## خطاب به مزدوران سرمایه: کنار بروید!

یاشار سهندی



همه میدانند که شورای کذابی که نفس وجودی اش علیه نیروی کار است مصوباتش با تصمیم دو سوم رسمیت دارد. سه ضلعی که دور یک میز نشستند، نماینده حکومت اسلامی هستند. حالا یکی شان تحت فشار مبارزات بی امان کارگران امسال خود را مجبور دید مصوبه را امضا نکند و اما میدانند بدون امضای ایشان مصوبه لازم الاجرا است. این منت گذاشتن تنها یک چیز را ثابت میکند که ایشان هیچ چیزی در بی شرفی از آن دو ضلع دیگر کم ندارند.

این جناب تازه از راه رسیده فکر میکند ما کارگران از پشت کوه آمده ایم. در آن ضیافت نکبت بخاطر امضا نکردن همکارانش گفته است: "من دست همکاران خود در گروه کارگری (؟!!) را می بوسم که حتی اگر نتوانستند آنچه لیاقت کارگران بوده را بگیریم، حداقل عزت میلیون ها موکل خود را حفظ کردند." برآستی خیلی بی شرمی میخواهد که ادعای حفظ عزت میلیونها موکل میکند. کدام موکلین؟ کجا آن میلیونها موکل به شما اجازه داده اند که از جانب ایشان سخن بگویید که حالا چنین شکر خوری میکنید! شماها سمبل بی شرافتی هستید، نه عزت کارگران.

کارگران عزت خود را در مبارزه محقق میکنند و کرده اند. کارگران و بازنشستگی که در سرما و گرما و برف و باران در کف خیابان، منزلت را حق مسلم خود میدانند احتیاج ندارند مزدوری که همدست سرکوبگران است، وکالت نداشته ایشان را مدعی شود. کارگران در کف خیابان عملا همان کار کارگران نیشکر هفت تپه را انجام میدهند وقتی که پشت به ایشان و رو به خود و با اتکا به توان مبارزاتی خود، بیزاری خود را از استثمار فریاد می زنند.

ما کارگران هر سال به امید موفقیت و پیروزی سال را شروع میکنیم. سال 1403 از این امر مستثنی نیست. مبارزه کارگران از همان روز اول فروردین شکل گرفته است. سال 1403 به پشتوانه مبارزات سالهای اخیر میتواند قدرتمندانه تر و متحدتر به واسطه تداوم انقلاب زن زندگی آزادی شکل بگیرد. مبارزات سالهای گذشته به ما کارگران آموخته است که ما با یک دشمن طرفیم، رژیم اسلامی سرمایه؛ حقیرترین بخش آن مزدوران سرمایه در تشکلهای سیاهی مانند شوراها و اسلامی است. خطاب ما به این مزدوران این است: مسئله دستمزد به سرنگونی حکومت اسلامی گره خورده است، بیش از این پرونده خود را سنگین نکنید، کنار بکشید. و گر نه کارگران به نیرویی که در کف خیابان یافته اند بد جور کنارتان میزنند. دوران دلچک بازی بسر رسیده است. شامورتی بازیها را تمام کنید.

قصد این یادداشت این بود که به مناسبت سال نو از تلاشهای سال گذشته کارگران و بازنشستگان و امیدهای سال پیش رو، بود. اما سخنرانی یکی از مزدوران سرمایه، "علی خدایی، نایب رییس کانون عالی هماهنگی شوراها و اسلامی کار کشور" در ایلنا من را بر آن داشت به مناسبت سال نو به سخنان ایشان بپردازم! هدف افشگری نیست؛ چون عنوانی که ایشان به آن مفتخر است کافی است تا نقش او را در سرکوب کارگران یادآور شود. تشکیلاتی که کارگران در کارخانه نیشکر هفت تپه درب آنرا گیل گرفتند.

به گزارش ایلنا ایشان در "مراسم ضیافت افطاری خانه کارگر در شب دهم ماه مبارک رمضان" بعد از اینکه کلی برای شخص خودش و تشکیلات سیاهی که نایب رئیس آن است نوشابه باز کرد و کوشید که تصمیم تبهکارانه در شورای عالی سرمایه در تعیین حداقل دستمزد پایه کارگران را به "تصمیم مزدی دولت و نمایندگان کارفرمایی" ربط دهد و بگوید: ما نبودیم! ایشان در این ضیافت در آخر به حق این شبهای نکبت زا دعا کرد و گفت: "به برکت همین ماه مبارک رمضان مسئولان ما نیز خود را به نحوی اصلاح کنند که دیگر به سراغ بازی رسانه ای و عددسازی برای به کرسی نشاندن نظر خود نباشند." فریبکاران یک روی دارند، رذالت.

ایشان فرمودند: "سال گذشته که افتخار نمایندگی کارگران کشور در شورای عالی کار را داشتیم..." ایشان باید پاسخ دهند کی و کجا "کارگران کشور" این افتخار را نصیب ایشان کردند؟ آیا جز این است که بعد از اینکه ایشان توان سرکوب کارگران را از خود نشان داده اند، و در نتیجه بند و بستهای جناحی حکومت تبهکار حاکم به این مقام نائل شدند؟ پس ایشان خیلی بی خود میکنند که همچین ادعای گزافی میکنند. ایلنا در گزارش خود تاکید میکند: "این مسئول ارشد تشکلات کارگری"، ایلنا هم خیلی بی جا میکند که از ایشان چنین یاد میکنند.

این مزدور سرمایه که مقامی را به ارث برده است که پیشکسوتان او در تمام این چهار دهه گذشته پرونده شان تماما سرکوب و جنایت است. حمله به تجمعات کارگری، به تشکلهای واقعی کارگران، حمله نیروهای وزارت اطلاعات به گردهمایی کارگران در خانه های شخصی خود، حمله نیروهای سرکوبگر به تجمعات کارگری در جلو وزارت کار و مجلس در اول ماه های سالهای گذشته؛ حمله به تجمعات کارگری بدلیل معین، مانند بازداشت رضا شهابی در جلو وزارت کار، بازداشت رهبران و فعالین شناخته شده کارگری مانند: محمود صالحی، جعفر عظیم زاده، حسن سعیدی، داوود رضوی، محمد جراحی و و... و قتل شاهرخ زمانی در زندان، بازداشت و شکنجه اسماعیل بخشی، بازداشت وسیع کارگران فولاد اهواز و اخراج آنها، و بسیاری از فعالین دیگر و بخصوص سپیده قلیان، و شکنجه کشتار رهبران کارگری در دهه 60، گوشه کوچک از این سرکوبگری هاست و علی خدایی بی جا میکند که خود را نماینده کارگران بدانند.

ایشان و هم پیالگی هایشان گویی کوهی را با امضا نکردن مصوبه خبیثانه افزایش 35 درصدی دستمزد جایجا کرده اند، منت بزرگی سر کارگران دارند که به عنوان نماینده ای که نیستند، مصوبه را امضا نکردند تا در "سرکوب مزدی" نقش نداشته باشند. باید گفت: خودتانید!

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



## تعرضات وسیعتر کارگری علیه حکومت، پاسخ به دستمزد چهار برابر زیر خط فقر

### مهران محبی

طبق معمول هر سال در آخرین روز اسفند ۱۴۰۲ شورای عالی کار حداقل دستمزد برای کارگران در سال ۱۴۰۳ را اعلام کرد.

با افزایش ۳/۳ درصد به مزد پایه سال ۱۴۰۲ حداقل مزد پایه برای سال ۱۴۰۳ به هفت میلیون و یک صد و شصت و شش هزار و یک صد و هشتاد و چهار تومان رسید و میزان دریافتی یک کارگر متأهل با دو فرزند به یازده میلیون و ششصد هزار و نود و چهار هزار و بیست و یک تومان افزایش یافت.

خبر تعیین دستمزد سال ۱۴۰۳ را پاسدار صولت مرتضوی وزیر کار رژیم با آب و تاب فراوان و با باد به غیب انداختن و گرفتن قیافه وزیر موفق و لایقی که برای اولین بار در طول عمر ننگین حکومت نوآوری داشته است، در جمع خبرنگاران اعلام شد. وزیر کار دولت رئیسی جنایتکار سپس به برشمردن دستاوردها و نوآوریهایش به قرار زیر پرداخت:

۱- میانگین افزایش حداقل مزد طی سه سال دولت رئیسی ۳۹ درصد است در حالیکه در دولت قبلی ۲۴ درصد بوده است.

۲- برای اولین بار ردیفی تحت عنوان حق عائله مندی به ردیف های احکام کارگزینی کارگران اضافه می شود و به این طریق دریافتی کارگران متأهل بیشتر از کارگران مجرد خواهد شد.

۳- به دنبال اصلاحیه ای در قانون کار هستیم تا افزایش حقوق کارگران در بودجه تعیین شود.

حال موارد بالا را مورد بررسی قرار دهیم تا معلوم شود که پاسدار صولت و دولت رئیسی که به زعم وی، دولت خدمتگزار کارگران و زحمتکشانش است چه شرایط جهنمی تری برای کارگران و زحمتکشانش فراهم کرده و طبق وعده هائی که بر شمرده شده اند، فراهم خواهند کرد؟

- مرتضوی مانند هر جنایتکار دزد حکومتی با بکارگیری یک طرفه اعداد و ارقام و بستن زبان از توضیح اینکه با این ارقام چه میزان از اقلام مورد نیاز یک زندگی بخور و نمیر برای خانواده کارگری در بازار قابل خرید است، می کوشد با مقایسه عددی دستمزد با دولت قبلی، به خیال خودش اعتبار کارآمدتر بودن و دلسوزتر به حال مردم را برای خود کسب کند. این مهره کلاش و گوشبر به حدی بی شرم است که در جمع خبرنگاران وقتی که با افتخار از عدد ۳/۳ درصدی به اصطلاح افزایش نام می برد، حاضر نیست از تورم ۴۹ درصدی اعلام شده توسط خودش هم نام ببرد. مرتضوی شارلاتان نمی گوید در این سه سال که رئیسی قاتل رئیس جمهور بوده و خود او نیز وزیر کار، هر سال نسبت به سال قبل حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد قیمت کالاهای ضروری مانند خوراک، پوشاک، مسکن، رفت و آمد، بهداشت و درمان و دارو و غیره بیشتر شده است. نمی گوید که طی ۴۵ سال گذشته که حکومت دزدان و قاچاقچیان و مافیایا بر جامعه حاکم بوده است، گرانی و تورم سال به سال دو سه برابر شده است و توان خرید کارگر در نتیجه عدم افزایش دستمزد متناسب با تورم واقعی، سال به سال کاهش یافته است.

- دومین مورد افتخار مرتضوی تعیین ۵۰۰ هزار تومان به عنوان حق عائله مندی برای کارگران متأهل در ردیف احکام پرداخت است. گوشبری یعنی همین! و این برخوردها و اعمال حکومت از ابتدا با مردم و کارگران جریان داشته است. ابتدا دستمزد کارگر را شقه، شقه می کنند و سپس با الصاق عناوینی که مضمون اعانه ای، صدقه ای و بذل و بخششهای ظاهرا انساندوستانه مانند کمک هزینه مسکن، بن، عائله مندی و حق اولاد و عیدی و غیره دارند، میخوانند کارگر را مدیون کارفرما کنند و به کارفرما نیز

امکان می دهند که هر وقت بخواهد این تعلقات را کم یا به طور کلی قطع کند بدون آنکه کارگر حق اعتراضی داشته باشد.

واقعیت این است که همه این ظاهرا مساعدتها و حمایتهای تحقیرآمیز و ناچیز جانبی، درصد ناچیزی از بخشی از اصل دستمزد دزدیده شده کارگر است که عوامفریبانه و گمراه کننده با منت به کارگر برگردانده می شود. در نظام سرمایه داری، بخشی از ارزش کار کارگر به عنوان دستمزد به کارگر پرداخت می شود تا بتواند ضروریات زندگی خود و خانواده اش را شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، درمان، تحصیل و غیره تأمین کند. در نتیجه مزد کارگر باید در حدی باشد که بتواند همه نیازمندیهای زندگی مطابق استانداردهای پذیرفته شده در دنیای مدرن را تأمین کند.

- مورد آخر پاسدار صولت دیگر کاملاً گویای برنامه ریزی جدیدی برای تعرضات وسیعتر و قلدرانه تر به دستمزد و معیشت کارگران است. با تصویب گنجاندن افزایش مزد در بودجه سالانه و تعیین میزان آن توسط مجلس اسلامی، دیگر حتی در ظاهر هم ملاک افزایش حداقل دستمزد کارگر نرخ تورم و سید معیشت بارها زیر خط فقر اعلام شده خودشان نخواهد بود. بلکه میخواهند از ته مانده بودجه ای که پس از اختصاص به دولت و مجلس و همه دزدها و برای تأمین هزینه های تروریستی، هزینه های دستگاه های نظامی، امنیتی، قضائی، زندانها و مراکز هسته ای، مذهبی و خرافه پروری حکومتی و غیره اختصاص داده اند، مبلغ ناچیزتری نسبت به گذشته را هم به مزد کارگر اختصاص خواهند داد.

هدف حکومت از سپردن افزایش مزد کارگر به مجلس که امروز از زبان صولت مرتضوی بیان می شود، رها کردن خود از قوانین ارتجاعی و ضد کارگری ای است که هم به خاطر ناتوانی بیش از حدش در کنترل تورم و گرانی و هم بخاطر درماندگی اش در برابر اعتراضات گسترده کارگران و کل جامعه برایش تبدیل به معضل شده است.

### اما چه وقایعی در چشم انداز قابل انتظار است؟

همه آنچه که توضیح داده شد، موضوعات جدید و تازه کشف شده ای در رابطه حکومت با طبقه کارگر و کل مردم زحمتکش نیست. تعرض به حقوق کارگران و تحمیل دستمزدهای بارها زیر خط فقر در نظام اسلامی سابقه ای به قدمت عمر حکومت دارد. در نتیجه قبلا و بارها در مورد این موضوعات نوشته و گفته شده است و خود کارگران نیز در زندگی واقعیشان آنها را تجربه کرده، درس و آگاهی نسبت به آنچه که جزو حقوق حقه شان می باشد و آنچه که توسط حکومت دزدان و غارتگران اسلامی از شان سلب شده را کسب کرده و در مبارزات و اعتراضاتشان بکار گرفته اند. شعار "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" بیان کننده درس گرفتن و آگاهی یافتن کارگران از همه حقوق انسانی و در عین حال عزم آنان برای گرفتن فوری آنها از حکومت است. امروز پائین ترین قشر طبقه کارگر به یمن وجود تکنولوژی در امر



و گاز آغاچاری، در شرکت فلات قاره در خاارک نیز تجمع داشتند. کارگران رسمی نفت خواهان برکناری مسئولین ضد کارگری و فاسد، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت هستند.

روز گذشته همچنین کارگران نظیفات شهری چابهار بدلیل عدم پرداخت دستمزد آخر سال و عیدی آخر سال خود با اعلام اعتصاب دست به تجمع زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۸ اسفند ۱۴۰۲، ۱۸ مارس ۲۰۲۴

## اعتراضات سراسری بازنشستگان مخابرات، کارگران رسمی نفت و یک خبر دیگر

روز دوشنبه ۲۸ اسفند در آخرین روزهای پایانی سال بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. این تجمعات از جمله در شهرهای اردبیل، سنندج، تبریز، اراک، میروان، همدان، تهران، اهواز، رشت، کرمانشاه، اصفهان، بروجرد برگزار شدند. در تهران بازنشستگان در برابر ساختمان مرکزی شرکت مخابرات (خیابان سردار جنگل)، دست به تجمع و راهپیمایی زدند و علیه اختلاسگران حاکم شعار دادند. در اهواز بازنشستگان با راهپیمایی و فریاد شعار "مخابراتی داد بزن حق تو فریاد بزن" مقابل مخابرات تجمع کردند. در رشت بازنشستگان شعار میدادند: "منزلت، معیشت، حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی نشینیم". و در رشت بازنشستگان با شعارهای "وزیر بی کفایت نمیخوایم، نمیخوایم"، و "قط کف خیابان بدست میاد حقمان" بر تداوم اعتراضات خود تاکید کردند.

یک موضوع مهم اعتراض بازنشستگان اختلاسها و چپاولگریهای سهامداران عمده است که از نهادهای وابسته به حکومت هستند. نهادهایی نظیر "ستاد اجرایی فرمان امام" و "بنیاد تعاون سپاه پاسداران" اصلی ترین دزدان از صندوقهای بازنشستگی هستند. بازنشستگان همچنین به اجرا نشدن آیین نامه ی استخدامی ۱۳۸۹ که اجرای آن میتواند اندک بهبودی در دریافتی آنها ایجاد کند، اعتراض دارند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها بالای رقم اعلام شده سبب هزینه ۳۲ میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و سرکوبگریها رئوس اصلی مطالبات همه بخش های بازنشستگان است.

خبر دیگر اینکه در روز گذشته کارگران رسمی نفت علاوه بر شرکت بهره برداری نفت

## تقرضات وسیعتر کارگری علیه حکومت، ... از صفحه ۱۰

ارتباط، زندگی فلاکتبار خود را معیار قرار نمی دهد، بلکه به زندگی کارگر اروپای غربی و آمریکائی نگاه می کند و می خواهد به آن حد برسد. می داند همه آنچه که با عناوین پیچیده در حریر عوامفریبانه اخلاقیات ظاهرا مثبت در کنار دستمزد چهار برابر زیر خط فقر با هزار منت به او می دهند، از اصل دستمزد خود اوست و بنابراین هیچ خزنبلاتی از دولت و کارفرما نمی پذیرد.

اما آنچه که جدید است یا کمتر به آن پرداخته شده است، تغییر رویه حکومت زیر فشار شرایط جدیدی است که در مدت یک سال گذشته رژیم را در مانده تر از گذشته کرده است. سران حکومت طی یک سال گذشته بارها به ناتوانیشان در مهار گرانی و تورم اعتراف کرده اند. جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی در بن بست قرار گرفته و توان پاسخگویی به نیازها و خواستههای اقتصادی و معیشتی کارگران و عموم مردم را ندارد. اوضاعش بخصوص از نظر اقتصادی به حدی بحرانی و وخیم است که دیگر امکان آمارسازی و جعل تا حدی که برابر با آن به اصطلاح دستمزد را بتواند افزایش دهد هم ندارد. در نتیجه تصمیم گرفته است که افزایش مزد کارگران را مطابق با توان بودجه و توسط مجلس اسلامی اش تعیین کند. به خیال خود نیز با پنهان کردن و اعلام نکردن نرخ تورم و سید معیشتی خانواده، سیستمهای ذهنی و حسی کارگران و مزدبگیران را به طور مکانیکی خاموش و در کنترل خود بگیرد.

آیا این تغییر رویه در امر دستمزد کارگران می تواند حکومت را نجات دهد؟

واضح است که نه! جمهوری اسلامی با هیچ قانون و مصوبه ای مورد قبول کارگران نبوده است. شرایطی که امروز جمهوری اسلامی را به گوشه رینگ کشانده حاصل مبارزات کارگران در طول ۴۵ سال علیه آن و اتفاقا قبول نداشتن قانون کارش



بوده است. حکومت تا امروز با اتکاء به قانون کار ارتجاعی اش فقر را بر کارگران تحمیل کرده است. اگر حالا تصمیم به دور ریختن قانون کارش و مخصوصا ماده ۴۱ آن که نحوه تعیین حداقل مزد را شرح می دهد، گرفته است علتش اوضاع وخیم اقتصادی خود و شدت و گسترش یافتن اعتراضات کارگری است. در برابر این تقلای بیبوهه

حکومت، در همه بخشهای کارگری از کارگران و بازنشستگان گرفته تا معلمان و پرستاران اعتراضات وسیع و قدرتمندی در جریان است که به کمتر از یک زندگی با منزلت رضایت نمی دهند. کارگران و عموم مردم ضعف های حکومت را می شناسند. می دانند که گرفتار در انواع بحرانها شده است و می دانند که هیچ پاسخی غیر از سرکوب ندارد. به همین خاطر در مدت سال گذشته شعارهای مکرر در پی اثر بودن ماشین سرکوب حکومت در اعتراضاتشان سر دادند. کارگران و کل جامعه ای که با این روحیه در میدان مبارزه و مقابله با حکومت حضور دارند، جز سرنگونی راهی برای حکومت باز نمی گذارند.

سال جدید بنا بر وقایع و رخدادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سال گذشته و همچنین چند روزه اخیر برای حکومت سال عمیق تر شدن بحرانها و ناتوان تر شدنش در برابر مبارزات کارگران و کل مردم خواهد بود.





دزدی صدیقی تا همینجا باعث واکنشها و درهم ریختگی هائی در میان آخوندها و خودیهای حکومت شده است. خبرگزاری ایسنا واکنش صدیقی را شبیه برانگیز می داند و می گوید: "سپردن دستگاه های عریض و طویل فرهنگی که مستقیماً با موضوعات دینی و ایمان مردم سر و کار دارند، به آقای صدیقی فاقد هر

گونه توجیه است". محمدعلی ابطی از جناح اصلاح طلب با طعنه به صدیقی می گوید: "یک رابین هود جاعلی زمین را به نام صدیقی جعل کرده و صدیقی اینجوری مظلوم واقع شده و گریه های او به خاطر این مظلومیت است". روزنامه اصولگرای فرهیختگان هم از عدم پاسخگویی صدیقی و دفتر او نسبت به اسناد فاش شده فساد مربوطه انتقاد کرده است و واکنشهایی از جانب اشخاص دیگری صورت گرفته اند.

افشای چنین فسادی که بیشتر از همه اعتبار و موقعیت رأس حکومت را هدف قرار داده است، متأثر از وضعیت وخیم حکومت است. موقعیت امروز خامنه ای در رابطه با حکومت و حکومتیان شبیه به موقعیت ناخدای کشتی در حال غرق شدن است که دیگر کاری از دستش بر نمی آید و فرامین و دستوراتش اعتبار ندارند و سرنشینان کشتی در حال ترک کشتی برای نجات جان خود بدون توجه به ناخدا هستند.

حکومتیان و دور و بری های خامنه ای، حکومت را در حال سرنگونی می بینند و امیدوی به خامنه ای برای حفظ آن ندارند. نزدیک شدن معرکه ها و میدان های کشمکشها و یکدیگر پاره کردنهای باندهای حکومت به درب بیت خامنه ای بیانگر این اوضاع هستند. با گسترده تر شدن دامنه و عمق بیشتر یافتن اعتراضات عمومی علیه حکومت و با پیشرویهای انقلاب، دور نیست که آن زمان که معرکه ها به درون بیت خامنه ای کشیده شوند.

## اول فروردین: اعتصاب کارگران راه آهن در خراسان

روز چهارشنبه اول فروردین کارگران راه آهن خراسان به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود دست از کار کشیدند. بنا بر خبرها حقوق و مزایای آخر سال این کارکنان پرداخت نشده است. سطح نازل دستمزدها، تعویق پرداخت حقوقها، قراردادهای موقت کاری و نداشتن امنیت شغلی مشکلات سراسری کارگران شاغل در راه آهن است. در همین رابطه روز ۲۷ اسفند کارگران راه آهن شرکت تراورس کرج در اعتراض به مطالبات معوقه از جمله عدم پرداخت اوراق دست به اعتصاب زدند. در این میان با دخالت نیروی انتظامی درگیری ای میان اعتصابیون با مأموران رخ داد. کارگران بر پیگیری مطالباتشان تاکید دارند. در روز ۲۶ اسفند نیز کارگران پیمانی شاغل در راه آهن یزد تجمع کردند و با شعار حقوق مساوی حق مسلم ماست صدای اعتراض خود را علیه تبعیض در پرداختها اعلام داشتند. خواستهای فوری مورد تاکید این کارگران عبارت بودند از: اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، دادن بن های مناسبی امسال، به روز شدن حقوقها، امنیت شغلی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزه و تهدید به اخراج، و بیمه درمانی.

سال ۱۴۰۲ را کارگران در مراکز مختلف کارگری در حالی به پایان رساندند که بخشی از دستمزد و عیدی آخر سال خود را طلب دارند. و این یک موضوع اعتراضات گسترده کارگری در اسفند ما بود. در اعتراض به این موضوع و سطح نازل دستمزدها کارگران با اولتیماتوم به اینکه اگر حق و حقوقشان پرداخت نشود اعتراض خود را گسترده تر خواهند کرد به استقبال سال ۱۴۰۳ رفتند.



## دزدیهای نجومی، فلاکت عمومی - مهران محبی

افشای دزدی یک هزار میلیارد تومانی (زمین خواری ۴۲۰۰ متری) آخوند کاظم صدیقی معروف به شیخ گریان امام جمعه و واعظ و روضه خوان محبوب خامنه ای آخرین فقره از دزدیهای نجومی حکومتی افشاء شده در سال ۱۴۰۲ بود. ماجرا این بود که باغ ازگل به مساحت ۴۲۰۰ مترمربع از زمین ۲۳۰۰۰ متری ای در شمال تهران که در اختیار مدرسه علمیه خمینی تحت مدیریت و اختیار صدیقی بوده است، به نام صدیقی و دو پسرش سند خورده است.

بعد از افشای این دزدی، آخوند صدیقی در مقام دفاع از خود برآمد که دفاعیاتش نه تنها هیچ روتوشی برای پوشاندن کثافتش ایجاد نکرد، بلکه بیشتر از پیش بوی گند تفتن خود و خامنه ای و روحانیت و اسلام را بالا آورد. دروغ های صدیقی در دفاع از خود به حدی احمقانه بود که حتی نزدیکان و بخشی از حکومتیها را هم به واکنش و انتقاد واداشت. واکنش مردم هم معلوم بود که غیر از اینکه حرفهای صدیقی را دستمایه جوک ساختن و جوک گفتن و به سخره گرفتن کند، نمی توانست باشد.

صدیقی دزد جنایتکار، رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر و مدرس و تربیت کننده آخوند در حوزه علمیه خمینی که پیشتر ریاست محاکم عمومی تهران و ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات و سمت بازرس قوه قضائیه را داشته، همان منبردار و روضه خوان نماز جمعه تهران است که برای حل مشکلات معیشتی مردم را به رعایت تقوا و ایمان دعوت می کرد. همان که می گفت: خدا روزی رسان است و از مردم می خواهم در برابر معضلات اقتصادی مقاومت کنند. و بسیاری دیگر از این چرندیات آخوندی بر زبان آورده بود!

این آخوند کپک زده و متعفن که معلوم نیست چه چپاول ها و غارتها نجومی دیگری کرده و چه مؤسسات و شرکتها را تصاحب کرده است، طبق افشاگری یاشار سلطانی (همان کسی که زمینخواری او را اخیراً افشاء کرده است) ماهیانه یک میلیارد تومان فقط اجاره هتل جهان در مشهد به حسابش واریز می شود. در حالیکه ده ها میلیون کارگر و کارکن و مزدبگیر با دستمزد ۶ تا ۸ میلیون تومان در ازای یک ماه کار و زحمت در سرما و گرما روزگار را با هزار سختی و مرارت سپری می کنند و میلیونها نفر دیگر برای زنده ماندن به سطل های زباله هجوم می برند یا در مرزها سوختبری و کولبری می کنند و هر روز اخباری از به قتل رسیدن تعدادی از آنها با شلیک مزدوران جنایتکار حکومت منتشر می شود.

بدین ترتیب در حالیکه صدیقی و حکومت جنایتکار اسلامی در گرانترین و خوش آب و هوایترین منطقه شمالی تهران مرکز آخوند پروری برای تحمیق جامعه و سرپا نگهداشتن نظام دزدان با بهترین امکانات و محوطه باز و فراخ بسر میبرند، علاوه بر وجود هزاران کلاس درس فاقد امنیت و کیفیت مناسب آموزشی در سراسر ایران، صدها مدرسه کپری و خشت و گلی در مناطق محروم وجود دارند.

و نیز در حالیکه هزینه های گزاف صرف آخوند پروری در حوزه های علمیه مانند "حوزه علمیه خمینی" صدیقی می شود، سالانه بیش از یک میلیون کودک و دانش آموز به خاطر فقر و نداری خانواده از ورود به مدرسه محروم و یا از ادامه تحصیل باز می ماند.

تا اینجا موضوع، مربوط به بعد اقتصادی این دزدی مانند عموم دزدیهای دیگر بود. دزدی صدیقی ابعاد سیاسی و ایدئولوژیکی هم دارد که حائز توجه هستند.

صدیقی از آخوندهائی است که به خاطر ارادت وافر و سرسپردگی محضی که به خامنه ای دارد، نفس او (خامنه ای) را گرم تر از نفس امام زمانشان می داند. از زبان امام زمانشان نقل کرده که خامنه ای از جنس او (امام زمان) است و اعلام کرده که شایستگی های خامنه ای به حدی بالاست که شاید دیگر ضرورتی نداشته باشد امام زمان ظهور کند و اراجیف زیادی از این دست گفته است. صدیقی جایگاه و موقعیت مذهبی و سیاسی مهمی در حکومت دارد و ماجرای افشاء شدن دزدی اش ضربه ای به ارکان اعتقادی و ایدئولوژی مذهبی و اسلامی و همچنین ضربه ای به تمه اعتبار رکن اصلی حکومت از نظر اقتدار و حفظ انسجام درونی است.



- در آستانه عید نوروز در شرکت پارس فولاد هفت تپه واقع در شهرک صنعتی شوش کارگر جوان ۳۴ ساله ای به اسم رسول حسینی در اثر سقوط جرتقیل جانباخت. درگذشت این عزیز را به خانواده اش، به همکارانش و به همگان تسلیت میگوییم. رسول حسینی متأهل و دارای یک فرزند و اهل شهرستان کرخه شهر شاور بود. پادش گرامی باد.

- غلامحسین کلبی، متولد ۱۳۳۸ اهل ماهشهر ۲۴ سال است که بدون یک روز مرخصی در زندانهای مختلف محبوس است. او در سال ۱۳۷۹ در دزفول بازداشت و به زندان اوین منتقل گردید و طی ماهها شکنجه هیچ اتهامی را نپذیرفت و مقامات قضایی ابتدا وی را به اعدام و سپس حبس ابد محکوم کردند. غلامحسین کلبی از سال ۹۴ در زندان شیپان بسر میبرد و حتی یک روز هم مرخصی نداشته است.

کمیته سازماندهی حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان  
۳ فروردین ۲۲۱۴۰۳ مارس ۲۰۲۴

## از خوزستان خبر میرسد؟

۲۸ بهمن ۱۴۰۲

کمیته سازماندهی - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

### اخبار هفته: کمیته سازماندهی حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

- روز دوشنبه ۲۸ اسفند بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان در سطح سراسری از جمله در اهواز تجمع کردند. بازنشستگان با راهپیمایی و فریاد شعار "مخابراتی داد بزن حق تو فریاد بزن" مقابل مخابرات اهواز تجمع کردند.

- روز ۲۷ اسفند بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش و اهواز، تجمع کرده و پیگیری مطالباتشان شدند. در شوش حدود صد و پنجاه بازنشسته تامین اجتماعی از شهرهای شوش، کرخه، و هفته تپه با هم گرد آمده بودند. این بازنشستگان در سخنرانی هایشان در مورد مشکلات معیشتی و سطح نازل حقوقها و دزدی ها و اختلاسها صحبت کرده و بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند. شعارهای اعتراضی نیز بر محور همین موضوع بود. بازنشستگان در برهائی که بدست داشتند از جمله بر درمان رایگان تاکید داشتند. در این تجمع بازنشستگان با خواندن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" بر پایان دادن به بساط توحش و بردگی حاکم تاکید داشتند. در اهواز بازنشستگان بعد از تجمع دست به راهپیمایی در سطح شهر زدند. و با فریاد شعارهایشان از جمله شعار "کارگر، بازنشسته، اتحاد، اتحاد"، "صحنه پر شوری از اعتراض را شکل دادند.

- بیش از هشت ماه از بازداشت احمد کی شمس، شهروند شهر ایذه، می گذرد و او کماکان در زندان شیپان اهواز به صورت بلا تکلیف به سر می برد. احمد کی شمس در بیست و هفتم تیرماه ۱۴۰۲ بازداشت شد و توهین به رهبری، تبلیغ علیه نظام و اختلال در نظم عمومی، از جمله اتهامات اوست.

- روح الله خسروی نیز یکی از زندانیان سیاسی در زندان شیپان است که در یکم شهریور ماه ۱۴۰۲ بازداشت شده و همچنان بلا تکلیف است.

- مادر دادخواه زنده یاد دنیا فرهادی با تبریک سال نو به همه مردم یاد دنیا را گرامی داشت. دنیا فرهادی بیست و دو ساله، اهل ایذه و دانشجوی معماری دانشگاه آزاد اهواز بود که روز ۱۶ آذر ۱۴۰۱، همزمان با روز دانشجویان در ایران، حوالی بلوار ساحلی در محدوده پل کابلی اهواز مفقود شد و بعد از یک هفته پیکر بی جانش کیلومترها دورتر از شهر اهواز در روستایی در حاشیه رود کارون پیدا شد. تمام شواهد حکایت از این داشت که دنیا نیز قربانی حکومت جنایتکار اسلامی شده است. پادش گرامی باد.

**آزادشان کنید!**

**FREE THEM NOW**

**FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN**

**FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN**

اسامی برخی از فعالین کارگری زندانی: داوود رضوی، رضا شهباسی، حسن سعیدی، نسرين جوادى، ناهید خداوو، عباس دریس، ارش جوهری، رضا آقاسی، عثمان اسماعیلی، کیوان مهتدی، مهراڻ رونوف، سپیده کلیان، ریخته انصاری نژاد، ابوالفضل غسانی، شریفه محمدی

اسامی برخی از معلمان زندانی: جعفر ابراهیمی، رسول بدائی، هاشم خواستار، ناهید شیرپیشه، جواد لعل محمدی، احمد خیزاده، زینب همرنگ، مجتبی سهری، سمیل کوان، ژاک پاری

**CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN**

**ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO**







## کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده: کارگر کمونیست

### دوشنبه ۶ فروردین

روز شش فروردین اولین دوشنبه سال جدید ۱۴۰۳ بازنشستگان مخابرات تجمعات اعتراضی خود را بر پا کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. این تجمعات از جمله در شهرهای مریوان، تبریز، سنندج، بندرعباس برگزار شدند.

### یکشنبه ۵ فروردین

-نوروز رخداد، کارگر ساختمانی در دهدشت برای روز ۱۴ فروردین با اتهامات "تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب در فضای مجازی و انتشار محتویات و تصاویر مبتذل و اهانت به رهبری ه دادگاه احضار شد.

-امروز یکشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی اهواز دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

### شنبه ۴ فروردین

- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) طی بیانیه ای اعتراض خود را به مصوبه بیشرمانه مزدی شورایی عالی کار اعلام داشت. در بخشی از بیانیه این کارگران آمده است: "افزایش ۲۲ درصدی برای ما کارگران ارکان ثالث به معنی واقعی به عددی می‌رسد که قطعاً افزایشی کمتر از ۱۰ درصد را دارد و این شرایط در مورد کارگران پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری نزدیک به صفر است! ما میدانیم کل سناریوی یک پروژه تکراری و مهندسی شده است که نتیجه آن فقط فلاکت و فقر و کوچکتر شدن سفره ما را در پی دارد. روشن است که ما به این تحقیر آشکار و بردگی تن نخواهیم داد."

- مرزبانان جنایتکار در نوسود یک کولبر دیگر به اسم پیمان احمدی در نوسود که اهل جوانرود است را کشتند. پیکر او به مراکز درمانی نوسود منتقل شده و هنوز به خانواده‌اش تحویل نشده است.

### جمعه ۳ فروردین

- بنا بر خبرهای منتشر شده در سوم فروردین ماه ۷ نفر از کارگران کارخانه "آتیلا ارتوپد" سنندج توسط حاجی علی تحسری صاحب کارخانه از کار اخراج شدند. هر کدام از این کارگران بیشتر از پانزده سال سابقه کار در این کارخانه را دارند و حتی عیدی سال ۱۴۰۳ نیز به آنها پرداخت نشده است. این موضوع فضایی از اعتراض را ایجاد کرده است. کارگران خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی خود هستند. اسامی کارگران اخراجی: لقمان احمدی، لقمان عزیز فراده، آرمین زمانی، پرویز عزیزی، مسلم فردین پور، داود رازانی، صالحی بیگی

- در پی تیراندازی نیروهای نظامی در شهرستان راسک، یک سوختبر جاننش را از دست داد. در این روز همچنین راهنمایی رانندگی در محور قلعه گنج به رمشک به خودروی سوختبر تیراندازی کرد و در پی آن خودرو آتش گرفت و ۲ سوختبر بلوچ به نام‌های احمد یادگاری و آصف کشته شدند. سوختبران و کولبران بخشی از کارگران پیکار هستند که بدلیل بی‌تامینی ناگزیر با شغل سوختبری و کولبری شده‌اند و جمهوری اسلامی نیز به جای نان گلوله نصیب آنها میکند. تاکنون شمار بسیاری از سوختبران و کولبران توسط مرزبانان حکومت به قتل رسیدند. با کارزار گسترده باید علیه این جنایت به اعتراض برخاست.

### پنجشنبه ۲ فروردین

-در اثر تیراندازی نیروهای انتظامی در شهرستان سوران به سمت یک خودروی سوختبر، دو نفر مجروح شدند.

- محکومیت جمشید عزیزی ننه‌کران، شاعر و کارگر اهل آستارا، به ۷ ماه و ۱۶ روز حبس به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» (و ۳ سال و ۶ ماه و یک روز حبس به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور» در دادگاه تجدیدنظر استان گیلان تأیید شد.

### چهارشنبه ۱ فروردین

- کارگران راه آهن خراسان به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود دست از کار کشیدند. بنا بر خبرها حقوق و مزایای آخر سال این کارکنان پرداخت نشده است. سطح نازل دستمزدها، تعویق پرداخت حقوقها، قراردادهای موقت کاری و نداشتن امنیت شغلی مشکلات سراسری کارگران شاغل در راه آهن است.

- زخمی شدن یک کولبر با تیراندازی مستقیم نیروهای هنگ مرزی - بامداد چهارشنبه اول فروردین ماه نیروهای جنایتکار هنگ مرزی در هه‌نگه‌ژال بانه به سوی گروهی از کولبران آتش گشودند که در نتیجه آن یک کولبر به اسم مهدی شریفی اهل سقز زخمی شد. هدف قرار دادن کولبران این بخش کارگران پیکار که بخاطر بی‌تامینی برای تامین لقمه نانی ناگزیر به کار خطرناک کولبری هستند بخشی از جنایات جمهوری اسلامی است و تاکنون شمار بسیاری از آنان در این منطقه به قتل رسیده است. همه افراد بدون درآمد و کم درآمد باید از حقوق پایه در حد تامین یک زندگی انسانی برخوردار باشند. از حقوق کولبران و امنیتی جانی آنان فاطعانه دفاع کنیم.

- حسین عبادیان از فعالین صنفی معلمان شهریار که پیشتر توسط هیات تخلفات بازنشسته پیش از موعد شده بود توسط دادگاه انقلاب ملایر به اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به رهبر، توهین به دین اسلام و... احضار شد. این معلم اهل ملایر است که در شهریار تهران به شغل معلمی اشتغال داشت

- شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران در پیام نروزی خود نوشت: "سال نو را با اتحاد همبستگی بیشتر برای تحقق خواسته‌های برحقمان آغاز میکنیم! ما نوید آوران سلامتی هستیم. زندگی بهتر حق ماست!". در این پیام با دو شعار "پرستار داد بزن، حقوقت فریاد بزن"، "نه به اضافه کاری اجباری" به دو مطالبه فوری اصلاح تعرفه‌گذاری و ثبت خدمات پرستاری به نام پرستاران، حذف اضافه‌کار اجباری و تصحیح حق‌الزحمه‌ی مربوط به اضافه‌کاری تأکید شده است.

### سه شنبه ۲۹ اسفند

- کامیار فکور، فعال کارگری که دوران محکومیت خود را در زندان اوین سپری میکند، با تودیع وثیقه یک میلیارد تومانی، به مدت هفت روز به مرخصی اعزام شد.





## بیانیه زندانیان اعتصابی سه‌شنبه‌های نه به اعدام: تاکید بر اتحاد و عمل جمعی برای توقف کامل اعدام

مردم شریف و آزاده‌ی ایران

ما جمعی از زندانیان سیاسی طی هفت هفته گذشته در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام و برای توقف این ماشین کشتار و اعدام، هر سه‌شنبه اعتصاب غذا کرده‌ایم. امروز نیز در آخرین سه‌شنبه سال برای هشتمین هفته به یاد تمام جانباختگان دستگاه سرکوب استبداد دینی به ویژه به یاد همه اعدام‌شدگان در اعتصاب غذا هستیم.

هدف ما از کارزار سه‌شنبه‌های سیاه و این اعتصاب هفتگی جلب توجه افکار عمومی به این مهم بود که "اعدام قتل حکومتی، مجازاتی بدون بازگشت و ابزار سرکوب و ارعاب حکومت اقلیت مستبد حاکم بر کشور است."

ما از حمایت تمام کسانی که به هر شکل به کارزار سه‌شنبه‌های سیاه برای "نه به اعدام" پیوسته و صدای ما شدند صمیمانه سپاسگزاریم.

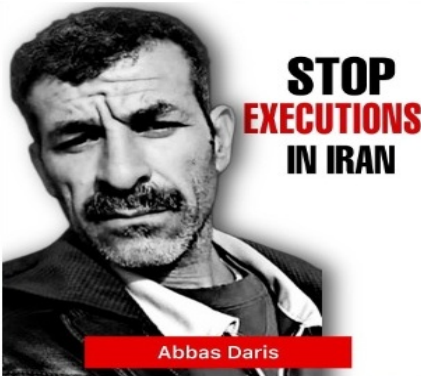
اینک و در آستانه سال نو و فرا رسیدن بهار طبیعت، ضمن تبریک آن به عموم هموطنان، امیدواریم که سال جدید سال پیروزی مردم ایران و تحقق آزادی و عدالت باشد؛ و به زودی در جامعه‌ای عاری از تبعیض، خشونت، استبداد و استثمار، ساختاری متضمن رعایت حقوق بشر برای همه شهروندان پدید آید و احکام قرون وسطایی چون اعدام لغو گردد.

ما اطمینان داریم دور نیست آن روزی که با تحقق حاکمیت مردم ایران بر سرنوشته خویش هیچ شهروندی به خاطر عقیده و اندیشه‌اش اسیر سرکوب و بی‌داد استبداد نشود. اما تا آن روز، ما از درون زندان‌های حکومت رسالت اخلاقی خود

می‌دانیم که در سال پیش‌رو نیز از درون زندان به اعتراض خود علیه اعدام ادامه دهیم، و از همه وجدان‌های بیدار و انسان‌های آزاده می‌خواهیم در این راه ما را یاری دهند.

در آخر با توجه به گزارش روزهای اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل و تاکید بر ضرورت محکومیت بین‌المللی نقض حقوق بشر و اعدام در ایران، باور داریم که پیروزی مردم و تحقق عدالت جز در سایه اتحاد و همبستگی خود مردم ایران امکان‌پذیر نیست؛ و در مورد توقف ماشین اعدام نیز بر اتحاد و عمل جمعی برای توقف اعدام بدون در نظر گرفتن عقیده، ملیت، قومیت، مذهب و نوع اتهام محکومان تاکید نموده و در پیمودن این راه دشوار دست یاری به سوی تمام وجدان‌های بیدار و آزاده ایران و جهان دراز می‌کنیم.

زندانیان اعتصابی سه‌شنبه‌های سیاه در زندان‌های: قزلحصار، اوین، کرج، مشهد، خرم‌آباد-۲۹ اسفند ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



### به کارزار جهانی نه به اعدام در ایران بپیوندیم

عباس دریس کارگری زندانی از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ و از شاهدان کشتار جنایتکارانه رژیم در نیزارهای ماهشهر در خطر اعدام است. به نجات جان او بشتابیم

- شریفه محمدی، فعال کارگری ساکن رشت، علیرغم گذشت ۱۰۵ روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلا تکلیف در زندان لاکان این شهر بسر میبرد. سیروس فتحی، همسر این فعال کارگری، در خصوص آخرین وضعیت خانم محمدی در زندان لاکان رشت نوشت: "روز دوشنبه بیست و هشتم اسفند ۱۴۰۲، من و فرزندان، شریفه را دیدار کردیم. ناخن پای او توسط پزشک زندان جراحی شده بود. اما دکتر گفته بود عفونت و قارچ آسیب شدیدی به انگشت و ناخن همسرم وارد کرده است و تاکید کرده بود که این مشکل باید خیلی زودتر مورد جراحی قرار می‌گرفت." شریفه محمدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

### کارگران در هفته ای که گذشت... از صفحه ۱۴

در اواخر مردادماه سال ۱۴۰۲، حکم تعلیقی محکومیت دو سال حبس کامیار فکور از بابت اتهام تشویش اذهان عمومی در پرونده سال ۱۴۰۰ صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، به اجرا درآمد. کامیار فکور، فعال کارگری پیش از این نیز از بابت فعالیت‌های خود سابقه بازداشت و تحمل حبس را دارد.

- شورای بازنشستگان ایران در بیانیه‌ای در اعتراض به مصوبه مزدی شورایی کار اخطار داده و نوشت: "اگر مصوبه تحقیرکننده شورای عالی کار که با زیر پا گذاشتن قوانین خودشان صورت گرفته باطل نشود، شاهد موجی از اعتراضات علیه این دهن کجی به زندگی کارگران شاغل و بازنشسته بمنظور ابطال آن در روزهای پیش رو خواهیم بود."

- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه‌ای تحت عنوان "به دستمزدهای تحقیر آمیز دست پخت شورایی کار تن نخواهیم داد" مصوبه مزدی شورایی کار را محکوم و بر اتحاد سراسری کارگران برای مبارزه علیه تعرض معیشتی حکومت تاکید کرد.

- اصغر امیرزادگان و ایرج رهنما دو تن از معلمان استان فارس که بارها توسط جمهوری اسلامی به دلیل حق طلبی مورد احضار، بازداشت و محکومیت قرار گرفته‌اند، با کاشت نهالهایی در آستانه نوروز یاد جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی داشتند.

دوشنبه ۲۸ اسفند

- بازنشستگان مخبرات برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. این تجمعات از جمله در شهرهای اردبیل، سنندج، تبریز، اراک، مریوان، همدان، تهران، اهواز، رشت، کرمانشاه، اصفهان، بروجرد برگزار شدند.



ما ریشه درد و فلاکت خود را میشناسیم و میدانیم پروژه فرمال تصویب مزد از همانجایی بر خاسته است که پروژه عدم حذف شرکتهای پیمانکاری تامین نیرو انسانی را مدیریت میکند و بازیگرانی مشترک دارد که در دو سناریو نقش بازی میکنند. سناریوی نوشته شده از بالا که مفتخوران و چپاولگران در آن نقششان این است که خون ما را بمکند و معیشت ما را لگدمال کنند.

با این نگاه، ما کارگران ارکان ثالث، پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری و کارگران غیر رسمی نفت اعلام می‌کنیم، در روزهای تعطیلی سال نو اعتراضات خود را موقتاً به حالت تعلیق در آورده ایم، اما دوباره با اعتراضاتمان خواهیم آمد و تا تحقق خواستههایمان اعتراضاتمان ادامه خواهد داشت.

ما در مبارزاتمان بخصوص در چند ماه اخیر دستاوردهای مهمی داشتیم که مهمترین آن در هم شکستن فضای پادگانی و حراستی محیط های کاریمان بوده است. همچنین به دنبال این اعتراضات صف ما متحد تر از پیش شده است و بیش از پیش جریانات معلوم الحالی که همواره تلاش کرده اند ترمز مبارزات ما باشند عقب زده و توانسته ایم اعتراضاتمان را گسترش دهیم. اعتراضات ما قطعاً با قدرت بیشتری ادامه خواهد داشت و ما هرگز به شرایط قبل باز نمیگردیم.

در انتها، شروع سال جدید را به همکاران تبریک عرض نموده روزهای خوشی را آرزو می‌نماییم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)  
شنبه ۴ اسفند ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



## از متن بیانیه مشترک تشکل های کارگری

کارگران درآمدی جز مزد خود ندارند؛ آن هم مشروط به اینکه کاری داشته باشند. اما مردهای کارگران همواره چهار یا پنج

برابر پانین تر از هزینه هایی بوده که برای معیشت خانوار متوسط کارگری لازم است. برای مثال، آخرین حداقل دستمزدی که دولت و شورای عالی کار برای سال ۱۴۰۲ تصویب کردند با کل مزایای شغلی - که به همه کارگران تعلق نمی گیرد - مبلغ ۷۴۰۰۰۰۰ تومان (هفت میلیون و چهار صد هزار تومان) بود. این مبلغ به زحمت هزینه یک هفته یک خانوار متوسط شهری در سال ۱۴۰۲ را تامین می کند زیرا براساس آمارهای رسمی، میانگین هزینه یک خانواده چهار نفری در این سال از سی میلیون تومان در ماه بیشتر است. به همین طریق براساس پیش بینی نرخ تورم در سال ۱۴۰۳، میانگین هزینه زندگی یک خانوار شهری از چهل و پنج میلیون تومان در ماه کمتر نخواهد بود.

برای دستیابی به افزایش مزد راهی جز مبارزه و پنجه در افکندن با دولت، کارفرما و سرمایه داران قابل تصور نیست. (از مدیای اجتماعی)

## به مزد نا عادلانه مصوب، اعتراض داریم.

نرخ سبد معیشت کارگری بنا بر اعلام کمیته مزد کانون همهانگی شوراهای اسلامی کار استان تهران ۳۲ میلیون تومان است که بنابر رشد ۴۵ درصدی نرخ تورم اعلام گردیده است.

با این معیار و با استناد به آمار و ارقام دولتی، با توجه به رشد سرسام آور تورم، بی بندوباری وضعیت قیمتها در بازار و شرایطی که کارگر همین الان هم قدرت خرید ندارد، تاکید میکنیم، مزد مصوب ۳۵ درصدی تداوم خیانت علنی و آشکار به ما کارگران است.

این بازی عوام فریبانه و فرمایشی دولت با شکل و نمایش تکراری که راه انداخته است توهینی بیشرمانه به ما کارگران است.

این تصمیم افزایش مزد نیست، بلکه با تورم و رشد سرسام آور هزینه های زندگی کاهش دستمزد است و به هیچ عنوان کفاف هزینه های زندگی ما را نمیکند و پاسخگوی معیشت مان نیست.

در جلسات فرمایشی مهندسی شده و از قبل طراحی شده، با استفاده از عوامل معلوم الحالی که با فرصت رسانه ای شدن، از آنها برای کارگران چهره سازی نمودند، رقم ۱۵ میلیون تومان حداقل دستمزد را جلو آوردند تا زمینه را برای اعلام مصوبه بیشرمانه شورای عالی کار و ۱۱ میلیون تومان حداقل دستمزد فراهم کنند. بعد هم تداعی کنند که عدد ۱۱ میلیون تومانی باضافه مزایای خیالی مورد ادعای وزیر کار همان نرخ ۱۵ میلیونی مطرح شده است. تا به این شکل صف اعتراض ما را مشتت کنند.

در این میان برای بخش زیادی از کارگران از جمله ما کارگران ارکان ثالث نفت افزایش مزد ۲۲ درصدی با رقمی ثابت مقرر گردیده است.

ما در سالهای گذشته هم تجربه چنین افزایش های مزدی بیشرمانه را تجربه کردیم و قسمت جالب قضیه این است که یکی از اعضای حاضر در جلسه از همکاران ما بوده و او میداند کارفرمای زورگو و پیمانکاران مفتخور همیشه از این مزایا تا چه میزان و به چه اشکالی سودجویی نموده و در ازای افزایش دریافتیمان از اضافه کاری ما کسر میکنند تا همچنان تبعیض در پرداخت دستمزدها را حفظ کنند.

از همین رو ما میدانیم افزایش ۲۲ درصدی مصوب برای ما کارگران ارکان ثالث برابر است با ۱۰ درصد است و شاید هم کمتر از آن.

همه ما میدانیم که عمده این مزد مورد چپاول و زد و بند میان کارفرما و پیمانکاران در فیش حقوقی مان چنان به اسم کسورات بیمه و مالیات و... تحریف می شود که حتی از لحاظ پیگیری حقوقی در مراجع به اصطلاح رسیدگی و شکایت قابلیت طرح نداشته و اساساً به جایی نمیرسد!

با این تفاسیر افزایش ۲۲ درصدی برای ما کارگران ارکان ثالث به معنی واقعی به عددی می رسد که قطعاً افزایشی کمتر از ۱۰ درصد را دارد و این شرایط در مورد کارگران پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری نزدیک به صفر است!

ما میدانیم کل سناریو یک پروژه تکراری و مهندسی شده است که نتیجه آن فقط فلاکت و فقر و کوچکتر شدن سفره ما را در پی دارد. روشن است که ما به این تحقیر آشکار و بردگی تن نخواهیم داد.

ما این شکل توهین به منزلت و معیشت خود را با وجود آن مقدار مطالبات محقق نشده مان که عمده ترین آن حذف شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی است از سوی دولت و ساختار سرمایه داری حاکم، اعلام جنگ به خود میدانیم و معتقدیم این ساختار با رفتن این وزیر و آن مسؤول قابلیت تغییر فرم و اصلاح ندارد و مشکلات ما و همه مزدبگیران و همه مردم تحت ستم عمیقتر از اینهاست!



## دستمزدهای ما، اختلاص های شما

بالاخره نمایش تمام شد. دولت و کارفرمایان از زبان «شورای عالی کار» (شان حداقل دستمزد را بریدند و دوختند و تن ما کردند. لطف فرمودند %۳۵ به دستمزد و حقوق های سال جدید اضافه کردند. یعنی حقوق پایه ۷ میلیونی که با مابقی مزایا و آیتم ها - که تازه اگر ملاخور نشوند - حدود ۱۱ میلیون و آنهم بعد از کسر بیمه و مالیات ۸ میلیون میشود و برای تعداد زیادی کمتر از این هم دست کارگر میاید.

حالا کار هرکول است که زیر بار این تورم و گرانی جان سالم از دست این هفت تیرکش های بازار دربرید یا زودتر به بی خانمانان نپیوند و یا از گرسنگی و سوءتغذیه هلاک نشود. این وضع دستمزدهای ما است که شرافتمندانه کار میکنیم و آن وضع امام جمعه ها مثل صدیقی و خانواده معاون اول قوه قضاییه و مجلسی ها و دولتی ها است که جام جهانی اختلاص راه انداخته اند و هر روز یکی روی دست دیگری رکورد جدیدی از اختلاص میزند.

در کنار سیاست محروم تر و گرسنه تر کردن کارگر توسط دولت و سرمایه داران، برخی کارگرنماها مثل محمد خنیفر همراه با عدالتخواها خودشان را جر میدادند تا کارگر را به دنباله رو این بازی دولت و سرمایه داران بدل کنند. این خاله خرسه ها شریک دزد و رفیق غافله اند.

حقوق یکماه کارگر باندازه هزینه یک شام آفازاده های مفتخور که در ولنجک و لاسان و بالای شهر ول میگردند نمی شود. خنیفرها و عدالتخواهان آرزو دارند به زندگی این نکبت های فاسد و انگل نزدیک بشن و سری در میان سرها در آورند. اسم کارگر و «پویش دستمزد» حرف مفت است.

برای دستمزد بالاتر کارگر باید خودش آستین بالا بزند. کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من!

## بیانیه شورای بازنشستگان ایران

پایان قدرتمانی دولت و کارفرمایان در شورای عالی کار،  
آغاز قدرتمانی کارگران شاغل و بازنشسته در خیابان!

پایان سال اعلام میکنند تا این "جهنم زندگی با ارزان ماندن نیروی کار" و "بهشت سرمایه با سود سرشار برای کارفرمایان و دولت" همچنان پابرجا بماند!  
گروه های مستقل کارگری و بازنشستگان در بیانیه و اطلاعیه های خود میزان هزینه سبد معیشت خانوار را بیش از ۳۰ میلیون تا ۳۶ میلیون تومان برآورد کرده اند.

اراده حکومت در سرکوب مزدی، ادامه سیاست سرکوب جامعه در اشکال سیاسی، اقتصادی، امنیتی-قضایی، اجتماعی و فرهنگی است. دستگاههای انتظامی، امنیتی و قضایی، ضامن و حافظ پایین نگهداشتن معیشت مردم به سود صاحبان سرمایه اند.

کارگران شاغل و بازنشسته راهی ندارند بجز اینکه با همبستگی و تشدید اعتراضات خود در محل کار و خیابان همانطور که تاکنون نشان داده اند مزد واقعی خود را بستانند. این قانون واقعی یک کشمکش اجتماعی است در مقابل حکومتی که بجز اراده خود قانونی را تحمل نمی کند.

اگر مصوبه تحقیرکننده شورای عالی کار که با زیرپا گذاشتن قوانین خودشان صورت گرفته باطل نشود، شاهد موجی از اعتراضات علیه این دهن کجی به زندگی کارگران شاغل و بازنشسته بمنظور ابطال آن در روزهای پیش رو خواهیم بود.

#تعیین\_مزد\_طبق\_سبدمعیشت

#افزایش\_مزد\_طبق\_تورم

تا حق خود نگیریم / از پا نمی نشینیم

فقط کف خیابون/ بدست میاد حقمون

شورای بازنشستگان ایران ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

در حالیکه سال جاری تحت حاکمیت یکپارچه، یکی از بدترین سالهای تورمی را پشت سرگذاشت هرچه به روزای آخر سال نزدیک شدیم گرانی از کنترل خارج شده مایحتاج عمومی آخرین رقم زندگی مزدبگیران را مکیده است، نمایندگان به اصطلاح سه جانبه گرانی در شورای عالی کار بدون حضور و اعمال اراده نمایندگان واقعی کارگران، با دستکاری و کاهش هر آنچه که میتوانست مبنای کارشناسی هزینه های سبدمعیشت باشد، بالاخره افزایش مزد دستوری بر مبنای %۳۵ برای حداقل بگیران و %۲۲ برای "سایر سطوح مزدی" همراه با مشتی خرت و پرت بعنوان مزایای جانبی صادر کرد.

با توجه به اکثریت شاغلین در طبقه بندی "سایر سطوح مزدی"، افزایش واقعی دستمزد ۱۴۰۳ همان ۲۲ درصد است و ۳۵ درصد تنها حدود یک پنجم کارگران شاغل را در برمیگیرد. این یک عدد و رقم مزدی نیست، بلکه تعرض علیه زندگی و هستی یک جامعه است.

نخستین واکنش به این فرمان حکومتی، اعتراض خود نمایندگان رسمی و مجاز درون شورای عالی کار بود که برخلاف سال گذشته با امتناع از تائید و امضای این سناریوی مزدی، تحت فشار فزاینده جنبش کارگری مسئولیت چنین حقارتی را از خود سلب کرده و عزم و اراده کارگران شاغل و بازنشسته برای اعتراض هموارتر شد.

آنچه بعنوان افزایش مزد اعلام شد ماحصل آخرین نمایشی است که هر ساله در غیاب تشکل های واقعی کارگران شاغل و بازنشسته به خیر و خوشی در آخرین روزهای

# زن زندگی آزادی!



## اعتراضات بازنشستگان مخابرات در چند شهر



روز ۶ فروردین اولین دوشنبه سال جدید ۱۴۰۳ بازنشستگان مخابرات تجمعات اعتراضی خود را بر پا کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. این تجمعات از جمله در شهرهای مریوان، تبریز، سنندج، و بندرعباس برگزار شدند.

در سنندج بازنشستگان شعار میدادند: "مطالبات و خواربار به روز باید گردد"، "مطالبات پزشکی حق مسلم ماست"، و "بیمه بی فرانشیز حق مسلم ماست".  
اعتراض این بازنشستگان به فقر و گرانی و بی تأمین و عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان است. این بازنشستگان همچنین به اجرا نشدن آیین نامه‌ی استخدامی ۱۳۸۹ که اجرای آن می‌تواند اندک بهبودی در دریافتی آنها ایجاد کند، اعتراض دارند. موضوع دیگر اعتراضات آنها چپاولگریهای سهامداران عمده شرکت است. این سهام در تملک نهادهایی نظیر "ستاد اجرایی فرمان امام" و "بنیاد تعاون سپاه پاسداران" قرار دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ اسفند ۱۴۰۲، ۲۵ مارس ۲۰۲۴

باید تا متحد و سراسری اعلام کنیم که ما شورای عالی کار و مصوباتش را قبول نداریم و با اعلام خواسته‌های مشخص خود در برابر تعرض به زندگی و معیشت مان و تحمیل دستمزدهای باز هم چندین بار زیر خط فقر می‌ایستیم. همکاران!

حداقل دستمزد کف چانه زنی برای میزان دستمزد در سطح جامعه و همه حقوق بگیران است. برای ما کارگران پروژه‌ای، قراردادی و بخش‌های مختلف شاغل در نفت نیز حداقل دستمزد، کف دستمزد در چانه زنی برای افزایش سطح دستمزدهاست.

- دستمزد باید متناسب با نرخ سید هزینه معیشت افزایش یابد. بنابراین همانطور که دیگر تشکلهای کارگری اعلام کرده‌اند، مزد هیچ حداقل بگیر نیاید از ۴۵ میلیون کمتر باشد.

- خودشان نرخ تورم را ۴۵ درصد اعلام کرده‌اند. بنابراین حتی اگر همان ۴۵ درصد را مبنای بگیریم، باید مزد همه کارگران در تمام رده‌های شغلی ۴۵ درصد افزایش داشته باشد.

-- نرخ تورم مرتباً افزایش می‌یابد و با توجه به تغییر دائمی نرخ تورم و نرخ سید معیشتی باید در طول سال افزایش یابد.

- ما خواستار حذف پیمانکاران هستیم و در عین حال به عنوان یک قدم مهم در این جهت بر میزان مزد مساوی در برابر کار مساوی تأکید داریم.

- هزینه درمان و تحصیل برای کودکان و مسکن بخش اصلی مزد ما را می‌بلعد. ما خواستار درمان و تحصیل رایگان برای همه مردم و ایجاد تسهیلات لازم برای تأمین مسکن هستیم.

- ما در برابر هرگونه امنیتی کردن مبارزاتمان می‌ایستیم و تشکل، تجمع و اعتراض را حقوق مسلم خود میدانیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از همه همکاران میخواهد که این گفت‌وگوها را در محیط‌های کاری خود جلو برند و حول آن صف اعتراضاتمان را سراسری شکل دهیم. معیشت، منزلت حق مسلم ماست.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت - اسفند ۱۴۰۲  
برگرفته از میدیای اجتماعی

## شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

### شورای عالی کار دشمن نیروی کار

به دستمزدهای تحقیر آمیز دست پخت شورای عالی کار تن نخواهیم داد

امروز ۲۹ اسفند بالاخره شورای عالی کار بعد از یکماه غور و تفحص حداقل دستمزد کارگران را تعیین کرد. طبق این تصمیم حداقل دستمزد ماهانه در سال ۱۴۰۳ با همه تعلقاتش یازده میلیون خواهد بود. این درحالیست که در بحث‌های کشف‌اشان بر سر نرخ سید معیشت از ارقامی چون ۳۲ میلیون و ۳۵ میلیون صحبت کردند. و همه میدانیم که رقم هزینه‌ها بسیار بالاتر از اینهاست. روشن است که تصمیم شورای عالی کار کذایی پشیزی برای ما کارگران ارزش ندارد و آنرا اعلام جنگی علیه معیشت خود و همه مردم میدانیم. ما همواره اعلام کرده‌ایم که ما برده نیستیم که از بالای سرمان بر سر میزان مزد ما تصمیم‌گیری شود. اعلام کردیم معیشت، منزلت حق مسلم ماست. و ما با شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد در برابر کل این چپاولگری‌ها ایستاده‌ایم و کوتاه هم نخواهیم آمد.

حقیقتاً بیش‌تر می‌هم حادی دارد. گویی میخواهند صدقه بدهند. علیرغم رشد سرسام آور قیمت‌ها و نرخ نجومی تورم، زندگی ما کارگران و ما مردم هر روز بیشتر به نابودی کشیده میشود. دیدیم که صولت مرتضوی وزیر بی‌کفایت آنجا که بحث بر سر سید معیشت کارگری بود چشمش را به چندرغاز پول یارانه و فخرانه و مزخرفاتی از این دست که با آن حتی نمیشود یک کیلو گوشت خرید، بست و بعد هم دستور حذف هزینه‌های درمان از سید هزینه معیشت کارگران را داد. و یا با نظری از وزیر بهداشت درمانده‌شان گفت نرخ کالری مورد نیاز بدن کمتر از آنچه‌ی است که محاسبه شده است و با این شامورتی بازی‌ها تلاش کردند نرخ سید معیشت را کم بگیرند تا حداقل دستمزد را چند بار زیر همین ارقام سید هزینه مهندسی شده‌شان رقم بزنند و از صندوق جادویی‌شان بیرون بکشند. اما کور خوانده‌اند. ما کارگران به این بردگی و این تحقیر تن نخواهیم داد و دستمزد و معیشت خط قرمز ماست و کوتاه نخواهیم آمد.

درماندگی‌شان برای ما روشن است. دیدیم که در همین مباحث چگونه به جان همه افتادند. حتی همین جناب وزیر کار در اوج استیصال از ارسال لایحه‌ای به مجلس مبنی بر عوض کردن نحوه تعیین حداقل حقوق کارگران صحبت کرد و بهترین مرجع برای تصمیم‌گیری حقوق کارگران را مجلس اسلامی خواند! یعنی دزد به یورقه دزد حواله داد! در این میان هم تشکلهای دست ساز حکومتی و جریان معلوم الحال پایداری که راهشان به مجلس نیز باز شده است، برای پیشبرد اهداف سیاسی‌شان و زیر فشار اعتراضات ما کارگران و مردم سنگ کارگر را به سینه زده و به قول خود کارزار حداقل دستمزد پانزده میلیون در ماه را به راه انداختند. تشکلهای دست ساخته حکومت هم که خود یک جانب همان شورای عالی کار ضد کارگری هستند، پشت آن بودند. اینها همه جریان‌های آبرویخته‌ای هستند که دستشان برای همه رو است و هیچ ربطی به ما کارگران ندارند. هر سال با همین بازی‌ها بازار گرمی میکنند و سنگ کارگر را به سینه میزنند و بعد هم پشت درهای بسته با سیاست‌های دیکنه شده حکومت و به میل کارفرمایان به اجماع رسیده و با ژست اینکه ما هم راضی نبودیم و زورمان نرسید سعی میکنند اوضاع را آرام کنند. امسال هم با اعلام اینکه مصوبه را امضا نکرده‌اند، میدان بازی‌ای برای خود درست کرده‌اند. چون میدانند که سنبه ما کارگران پر زورتر از هر وقت است جنبشی با اسم رمز زن زندگی آزادی بر سر معیشت در کل جامعه شکل گرفته است، این دارو دسته‌ها از در "کارزار مزد" وارد شده‌اند تا صف اعتراض ما کارگران بر سر دستمزد و معیشت را چند پاره کنند. جلوی این فریبکاریها و تفرقه افکنی‌ها بایستیم. و با اتحاد مبارزاتی خود پاسخ محکمی به شورای عالی کار کذایی و وزیر کار شکم سیر دولت بدهیم.